

مقدمه

در دنیای امروز انتخاب مسئولان ارشد حکومت توسط مردم آن جامعه، پایه و اساس نظام های مردمی تلقی میشود. فارغ از اینکه انتخاب مسئولان توسط مردم خوب است یا خیر، باید قبول کنیم که این مسئله آنقدر دارای اهمیت شده است که به یک اتفاق نظر عمومی در مردم جهان تبدیل شده است. ایران اسلامی نیز از این مسئله جدا نیست و انتخابات جزء لاینفک زندگی سیاسی مردم گشته است؛ و این مهم به پویایی، مباشرت و بصیرت مردم اثر مطلوبی گذاشته است.

با عنایت به حساسیت غیر قابل اجتناب در انتخابات و خصوصا انتخاب رئیس جمهور که سرعت حرکت قطار جمهوری اسلامی به دست اوست، برآن شدیم با تهیه جزوه ای از بیانات و فرمایشات رهبر فرزانه انقلاب، امام خامنه ای مدظله العالی پیرامون این مسئله و معیارهای دولت اسلامی و انتخاب اصلح، به تقویت بنیه فرهنگی-سیاسی خود و جامعه کمک کنیم.

ان شاء الله مورد رضایت خداوند متعال قرار گیرد. والسلام

مدیر گروه - فروردین ۹۶



پایان تحقیر ملت ایران

انقلاب اسلامی دوران تحقیر ملت ایران را خاتمه داد؛ قبلاً ملت ایران به وسیله بیگانگان و قدرتها تحقیر میشد؛ تحقیر علمی میشد، تحقیر سیاسی میشد، تحقیر اجتماعی میشد. آنچه را قدرتهای مسلط و عمدتاً آمریکا در این سالهای آخر مایل بودند، به سران رژیم پهلوی دیکته میکردند و آنها هم عیناً همان را عمل میکردند؛ قبل از آمریکا هم انگلیسی‌ها این نقش را در کشور ایفا میکردند؛ انقلاب اسلامی آمد این تحقیر غیر قابل تحمل را برطرف کرد و به کشور و به ملت عزت داد، استقلال داد و انسانیت او را مطرح کرد.

وقتی یک ملت احساس هویت کرد، آن وقت استعدادها در او شکوفا میشود و شد؛ استعدادها شکوفا شد، کشور پیشرفت کرد. امروز کشور در ردیف عزتمندترین کشورهای دنیا است؛ ملت ایران جزو آبرومندترین ملت‌های دنیا است در چشم دشمنان خود، چه برسد به دوستان؛ این برای دشمنان ما قابل تحمل نیست. این برای آمریکا که یک روزی اینجا مثل حیاط خلوتش بود و برای رژیم صهیونیستی که اینجا یک روز آرامشگاهش بود و می‌آمدند اینجا استراحت میکردند، غیر قابل تحمل است؛ برای دشمنان ملت ایران اینکه یک ملتی صریحاً بایستد و بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌ای نظرات قاطع خود را علیه استکبار بیان بکند و به دیگر ملت‌ها جرئت بدهد، قابل تحمل نیست، لذا هرچه میتوانند دارند تلاش میکنند. این تلاش دشمن تا کی ادامه خواهد داشت؟ تا وقتی که شما ملت ایران به آن چنان قدرتی دست پیدا کنید که بتوانید آنها را مایوس کنید؛ همه‌ی تلاش دشمن مصروف این میشود که مانع رسیدن شما به این مرحله بشود. همه‌ی دعوایی که شما ملاحظه

کردید بر سر مسئله‌ی هسته‌ای راه انداختند، حرفهایی که در باب حقوق بشر میزنند، تهدیدهایی که میکنند، تحریمهایی که کردند و باز هم تهدید میکنند که تحریم میکنیم، برای این است که این ملت را در این راهی که پُرشتاب دارد حرکت میکند، از شتاب بیندازند و آن را متوقف کنند؛ البته انگیزه‌ی ملت ایران انگیزه‌ای است که با این چیزها کم نخواهد شد، کم‌رنگ نخواهد شد (۲۸ بهمن ۹۴).

تا ایران اسلامی مطلوب اسلام، راه طولانی در پیش است!

ما این حرفها را نمی‌زنیم برای اینکه غرور کاذب به وجود بیاید؛ شاد شویم، خوشحال شویم که خب الحمدلله به پیروزی رسیدیم، تمام شد؛ نه، ما هنوز خیلی راه در پیش داریم. من به شما عرض کنم؛ ما اگر خودمان را با ایران دوران طاغوت مقایسه کنیم، این برجستگی‌ها به چشم می‌آید؛ اما اگر خودمان را با ایران اسلامی مطلوب مقایسه کنیم - کشوری که اسلام برای ما خواسته است، جامعه‌ای که اسلام برای ما خواسته است؛ جامعه‌ای که در آن، عزت دنیا هست، رفاه دنیا هست، ایمان و اخلاق و معنویت هم در آن هست؛ همه به حد وفور - راه طولانی‌ای در پیش داریم. جوانان عزیز ما و ملت شجاع ما بدانند که ادامه‌ی این راه را هم با ... سه باور^۱ میتوانند در پیش بگیرند و پیش بروند. بدانید راه، طولانی است؛ اما شما توانائید، شما قدرت دارید، شما امکان دارید؛ میتوانید این راه طولانی را تا رسیدن به قله‌ها، با توانائی کامل، با سرعت و شتاب لازم ادامه دهید. این حرفها برای این است که اگر دشمنان میخواهند در دل ما یأس به وجود بیاورند، بدانید که آنها دارند دشمنی میکنند؛ همه چیز برای ما نمایشگر امید است (۱۴ خرداد ۹۲).

۱ - خدا باوری - مردم باوری - خودباوری

ما هم مشکلاتی داریم. ما مشکلات را باید مقایسه کنیم با نقاط مثبتی که الان در ما هست. کدام کشور مثل کشور ما ملتی منسجم و متحد دارد؟ اقوام کشور، مذاهب کشور، شهرهای کشور، مناطق گوناگون کشور، همه در یک جهت، در یک هدف، با یک عواطف، با یک احساسات، با یک امید دارند حرکت میکنند، زندگی میکنند. کدام کشور این همه جوان سرحال و باتشاط دارد؟ جوانهای ما امروز میدانهای عظیم علمی را دارند فتح میکنند؛ در مسابقات گوناگون جهانی، رتبه‌های بالای جدول را دارند به دست می‌آورند؛ این چیز کمی است؟ کدام ملت مثل ملت ما با وجود این همه دشمنیها توانسته است این عظمت را، این اهمیت را، این تأثیرگذاری را در قضایای دنیا و در قضایای منطقه به دست آورد؟ یک عده دشمنان مایند، یک عده مزدوران دشمنان مایند؛ هرچه بتوانند، کارشکنی میکنند؛ اما ملت ایران، سربلند، سرافراز، وسط صحنه، با چهره‌ی بشاش، با چهره‌ی امیدوار، بدون کینه‌ی به این و آن، دارد راه خودش را میرود. این را شما بدانید؛ ملتها - البته آگاهانشان، فرزانشان، کسانی از آنها که با قضایای گوناگون آشنايند - شماها را با انگشت نشان میدهند؛ میگویند ببینید ملت ایران در چه عرصه‌هایی پیشرفت کرده و ما مانده‌ایم. حرکت ملت ایران اینجوری است (۲۵ اردیبهشت ۹۲).

عدم وابستگی به آمریکا؛ فرصتی برای پیشرفت

ملت ما با پیشرفته‌ها ثابت کرد که در سایه‌ی آمریکا زندگی نکردن، به معنای عقب‌افتادگی نیست؛ این نکته‌ی مهمی است. قدرتمندان عالم، استعمارگران - در روزی که استعمار مستقیم بود - و امروز آمریکا، میخواهند به ملت‌های دنیا اثبات کنند که اگر میخواهید زندگی خوب داشته باشید و پیشرفت کنید، باید زیر سایه‌ی

ما بیائید. ملت ایران اثبات کرد که این حرف دروغ است. ملت ما ثابت کرد که وابسته نبودن به آمریکا و قدرتهای بزرگ نه فقط موجب عقب‌افتادگی نیست، بلکه موجب پیشرفت است؛ دلیل واضح این است که شما این سی سال جمهوری اسلامی را مقایسه کنید با سی سال بعضی از کشورهایی که در سایه‌ی آمریکا زندگی کردند، دل خودشان را به سالی دو سه میلیارد دلار کمک آمریکا خوش کردند و تسلیم آمریکا شدند؛ ببینید آنها کجایند، ما کجائیم؟ هستند کشورهایی که خودشان را به دُم آمریکا بستند و دنباله‌رو آمریکا‌یند. سی سال تجربه در مقابل ما است. ببینید سی سال جمهوری اسلامی چگونه گذشته است و جمهوری اسلامی و ملت ایران از کجا به کجا رسیده است، آنها در چه وضعی هستند. هر کس این را مطالعه کند، خواهد فهمید که وابسته نبودن به قدرتهای بزرگ، برای یک ملت فرصت است، نه تهدید؛ و این فرصت را بحمدالله ملت ایران با قدرت خود، با شجاعت خود، با هوشمندی خود به دست آورده است (۱ فروردین ۹۲).

سه عنصر اساسی ملت ایران در آغاز تمدن جدید

... ملت ایران این حرکت عظیمی را که موجب حیرت بینندگان جهانی شد، به کمک سه عنصر اساسی انجام داد: یکی اتحاد؛ یکی، حضور و یکی آگاهی. ملت ایران با اتحاد خود، با حضور خود، با آگاهی خود این گام بلند را برداشت و تمدنی جدید، حرکتی جدید، جریانی نو در اندیشه‌ی سیاسی دنیا به وجود آورد. ملت‌های مسلمان احساس هویت کردند، شخصیت پیدا کردند. احساس کردند میتوانند عقب‌افتادگی‌هایشان را که بر امت اسلامی تحمیل شده بود، جبران کنند. لذا شما ببینید حرکت ملت ایران بر روی ملت‌های مسلمان - از شمال آفریقا تا شرق آسیا

- اثر گذاشت، ملتها را بیدار کرد. در قضیه‌ی فلسطین، در قضیه‌ی لبنان، در مسائل عراق و افغانستان جا به جا و قدم به قدم، تأثیر نفس شما ملت ایران محسوس است. این کار بزرگ به برکت این سه عنصر بود:

اتحاد ملی. دلها به هم نزدیک شد، حنجره‌ها یک فریاد را به گوش همه رساندند، مردم سراسر کشور از اقوام مختلف، با مذاهب مختلف، دنبال جمهوری اسلامی و برافراشته شدن پرچم اسلام با یکدیگر هم‌دست و هم‌پیمان و هم‌سخن شدند. این یکپارچگی در آغاز انقلاب توانست آن چنان فشاری بر دشمن وارد بیاورد که کمر رژیم طاغوت را بشکند. بعد از آن هم تا امروز در آزمونه‌های گوناگون، همین وحدت ملت ایران بوده است که سخن آخر را به گوش دشمنان رسانده است و دشمن را از اینکه بتواند در صفوف ملت ایران رخنه کند، مأیوس کرده است. این وحدت را باید حفظ کرد.

... برادران مسلمان وحدت اسلامی را بر افتراق مذاهب شیعه و سنی ترجیح دهند و نگذارند اختلاف مذهبی به اختلاف مشی و روش و جهتگیری منتهی شود، به خاطر این است. وحدت اقوام ایرانی، وحدت مذاهب اسلامی، وحدت جریانهای گوناگون سیاسی، تضمین کننده‌ی ابهت کشور است. این جا هم من به همه توصیه میکنم. آن جایی که اکثریت با برادران اهل سنت است، این توصیه‌ی ما بود. این جا هم که اکثریت با برادران شیعه است، باز این، توصیه‌ی ماست: با یکدیگر برادر باشید، با یکدیگر هم‌راه و هم‌دست باشید، به یکدیگر کمک کنید. این نکته‌ی اول. نکته‌ی دوم، حضور. حضور مردم در صحنه‌ها توانست دشمن را مأیوس کند. اگر مردم در این سی سال در انتخاباتها شرکت نمیکردند، در راهپیمائیهای بیست و دو

بهمن و روز قدس شرکت نمی‌کردند، در مراسم گوناگون، حضور خودشان و این حجم عظیم ملت ایران را به رخ دشمن نمیکشیدند، مسلماً هیبت ملت ایران، آنچنان که امروز هست، نمی‌بود. این حضور را حفظ کنید.

اینکه ما در همه‌ی انتخاباتها تأکید میکنیم که مردم در صحنه‌ها حاضر باشند و در صحنه‌های گوناگون حضور داشته باشند، به خاطر این است. این حضور فقط در عرصه‌ی سیاست نیست، فقط در انتخابات نیست؛ در عرصه‌های سازندگی، در عرصه‌ی اقتصادی، مردم حضور داشته باشند.

مسئله‌ی آگاهی، یعنی آن سومین عنصر، نقش بسیار مهمی دارد. مثل نقش اتحاد و وحدت و مثل نقش حضور در صحنه. ملت ایران نشان دادند ملت آگاهی هستند. اگر آگاهی ملت ایران نبود، آن دولتهای متزلزل و بی‌اعتقاد به انقلاب در سالهای اول انقلاب، یقیناً سرنوشت بدی را برای این کشور رقم میزدند. آنهایی که خودشان صریحاً میگفتند به انقلاب عقیده ندارند، آنهایی که میگفتند از آمریکا میترسند - صریحاً این را میگفتند - آنهایی که نشان میدادند که متمایل به نرمش و تذلل و تواضع در مقابل قدرتهای بزرگند، اگر بنا بود در رأس کار بمانند، امروز ملت ما مسیر و وضع دیگری داشت و از این عزت، از این پیشرفت، از این ابهت جهانی برای ملت ایران خبری نبود. امام بزرگوار ما محکم ایستاد و مردم به خاطر آگاهی، به برکت آگاهی‌شان پشت سر امام ایستادند. این آگاهی به مردم کمک کرد. من میخواهم عرض کنم عزیزان من! این آگاهی همیشه لازم است. امروز هم لازم است، فردا هم لازم است. نسل جوان ما خوشبختانه امروز یک نسل غالب در سرتاسر کشور است. جوانها بهوش باشند، بیدار باشند. معیارها مشخص است. در

انتخابات، این آگاهی باید اثر کند؛ در بیان خواسته‌های ملت این آگاهی باید تأثیر بگذارد؛ در حضور گوناگون، در مسائل مختلف، این آگاهی بایستی اثر بگذارد.

بنابراین امروز هم، مثل این سی سال گذشته، ملت ایران احتیاج به این سه عنصر دارد: عنصر اتحاد، عنصر حضور در عرصه‌های مختلف و عنصر آگاهی. اگر ملت این سه چیز را که همه از برکات ایمان بالله و از برکات تعالیم قرآن است، داشته باشد، من به شما عرض بکنم، هم دنیا خواهد داشت، هم آخرت. ملت به برکت ایمان خود، به برکت اعتقاد خود، به برکت تمسک خود به ذیل عنایت نبی مکرم و اهل بیت عصمت و تعالیم قرآن و اهل بیت خواهد توانست هم دنیای خود را از آنچه که هست، بمراتب بهتر کند و هم رضای الهی را کسب کند. این، خط کلی ماست (۲۸ اردیبهشت ۸۸).

آنچه یک ملت... از طرق معنوی به دست می‌آورد، یک پشتوانه‌ای میشود، ذخیره‌ای میشود برای اینکه بتواند در همه‌ی میدانهای زندگی، با اراده‌ی راسخ و با عزم مقاوم در مقابل مشکلات پیش برود؛ بن‌بستها را باز کند، کارهای بزرگ انجام دهد. پشتوانه‌ی همه‌ی اینها، این معنویت است. کسی مثل امام بزرگوار ما که یک تنه وارد شد و توانست به برکت عزم و اراده‌ی راسخ و ایمان و توکل، همه‌ی ملت را بسیج کند و این حرکت عظیم را راه بیندازد، بیش از هر چیز متکی بود به همان جوشش قلبی، معنوی، روحی، توکل، معرفت، عبادت. تا آخر عمر هم این بزرگوار با وجود پیری و ناتوانی و شکستگی، نیمه‌ی شب بر می‌خاست، اشک میریخت. ما خبر داشتیم از نزدیکان ایشان که به همه‌ی خصوصیات زندگی ایشان واقف بودند، شنیده بودیم، اطلاع داشتیم؛ ایشان نیمه‌های شب برمی‌خاست، از خدای

متعال استمداد میکرد ... شب با آن حالت، آن وقت روز مثل شیر غرانی میآمد توی میدانها، قدرتها را شکست میداد، ضعفهای ملت را برطرف میکرد، اراده‌های همه‌ی ما مردم را تقویت میکرد و راه میانداخت؛ به برکت آن پشتوانه‌ی معنوی (۲۵ اردیبهشت ۹۲).

دین، مهندس دنیاست!

راهی که ملت ایران در پیش دارد، راه آباد کردن دنیاست. علم را، دانایی را، اقتصاد را، سیاست را، زندگی فردی را، روابط اجتماعی را، برنامه‌های کلان جامعه را - که اجزاء گوناگون دنیاست - باید آباد کرد، پیش برد، رونق داد و آنها را به شکوفایی رساند؛ و همه‌ی اینها در سایه‌ی دین تحقق پیدا خواهد کرد. امام این را به ما آموخت؛ و همین عامل دشمنی آشتی ناپذیر و خصومت کور ابرقدرت‌ها با نظام جمهوری اسلامی بود، و امروز هم هست. امروز هم یکی از آماج‌های تهاجم دشمنان ما در سطح تبلیغات جهانی، همین یگانگی دین و دنیاست؛ میگویند چرا دین را پیشوا و مهندس دنیا میدانید. آنها احساس خطر میکنند؛ چون دنیایی که آنها میخواهند، دنیای ظلم و تجاوز و دنیای تهی از معنویت و اخلاق است. این، نظامی است که استکبار جهانی برای بشریت امروز و دیروز، همیشه در نظر داشته است. نظام جمهوری اسلامی این نظم باطل و این دور غلط را شکسته است؛ نمونه‌ای را نشان میدهد که دین میتواند در دنیای مردم به‌طور عملی مؤثر باشد (۱۴ خرداد ۸۴).

جمهوری اسلامی؛ حاکمیت اسلام متکی به آرای مردم

امام بزرگوار ما حکومت اسلامی به روش انتخاباتی را به ما یاد داد. حکومت اسلامی در ذهن‌ها و خاطره‌ها به شکل خلافت‌های موروثی به یادگار مانده بود؛ خیال میکردند حکومت اسلامی یعنی مثل خلافت بنی امیه و بنی عباس یا خلافت

ترکان عثمانی؛ یک نفر با نام و شکل ظاهری خلیفه، اما با باطن و عمل فرعون و پادشاهان مستبد؛ بعد هم که از دنیا می‌رود، یک نفر را به جای خود معین کند. در ذهن مردم دنیا، حکومت اسلامی به این شکل تصویر می‌شود؛ که بزرگترین اهانت به اسلام و حکومت اسلامی بود. امام، حکومت اسلامی به روش انتخابات مردم و حضور مردم و تعیین منتخب مردم را - که لبّ اسلام است - بار دیگر برای مردم ما معنا کرد و در جامعه‌ی ما تحقق بخشید.

مبنای مردم‌سالاری دینی با مبنای دمکراسی غربی متفاوت است. مردم‌سالاری دینی - که مبنای انتخابات ماست و برخاسته‌ی از حق و تکلیف الهی انسان است - صرفاً یک قرارداد نیست. همه‌ی انسان‌ها حق انتخاب و حق تعیین سرنوشت دارند؛ این است که انتخابات را در کشور و نظام جمهوری اسلامی معنا می‌کند. این، بسیار پیشرفته‌تر و معنادارتر و ریشه‌دارتر از چیزی است که امروز در لیبرال دمکراسی غربی وجود دارد؛ این از افتخارات ماست؛ این را باید حفظ کرد (۱۴ خرداد ۸۴).

برای ملت‌مان چه می‌خواهیم و چگونه تأمین می‌شود؟

بینید، ما برای کشورمان و برای ملت‌مان چه می‌خواهیم؟ ما می‌خواهیم ملت و کشور به کجا برسد؟ ما برای ملت ایران امنیت ملی می‌خواهیم، عزت ملی می‌خواهیم، سلامت عمومی می‌خواهیم، رفاه عمومی می‌خواهیم؛ پیشرفت همه‌جانبه می‌خواهیم، استقلال از قدرتهای سلطه‌گر جهانی می‌خواهیم، شکوفایی استعدادها می‌خواهیم، رها شدن و نجات یافتن از آسیب‌های اجتماعی - مثل اعتیاد و فساد و امثال اینها - می‌خواهیم؛ اینها را برای کشور می‌خواهیم؛ اینها چیزهایی است که ما در زمینه‌ی مسائل مادّی برای کشورمان دنبال می‌کنیم و می‌خواهیم. آن وقتی ملت به آسایش

خواهد رسید که این مواد برای او در داخل کشور تأمین بشود. خب چگونه میشود اینها را به دست آورد؟ عزّت ملی، امنیّت ملی، اقتدار ملی، پیشرفت همه‌جانبه چه جور به دست می‌آید؟ من عرض میکنم بدون اینکه کشور یک اقتصاد قوی داشته باشد، اینها به دست نمی‌آید. نیاز ما اقتصاد قوی، تولید قوی، همراه با مدیریت قوی است؛ نیازمان این است: یک اقتصاد قوی و مطمئن و متکی به خود که دستمان به سمت دیگران دراز نباشد، بتوانیم انتخاب کنیم، بتوانیم حرکت کنیم، بتوانیم اقدام کنیم، بتوانیم روی قیمت نفت اثر بگذاریم، پول ملی را ارزشمند کنیم، قدرت خرید مردم را بالا ببریم؛ بدون یک اقتصاد قوی این‌جوری، نه به یک عزّت مستمری خواهیم رسید، نه به یک امنیّت مستمری خواهیم رسید؛ این چیزها را باید تأمین کنیم. اهمیّت اقتصاد این است. و البته بدون اتحاد ملی هم به دست نمی‌آید؛ بدون پیوند عمومی ملت با نظام هم این خواسته‌ها به دست نمی‌آید؛ بدون فرهنگ انقلابی هم به دست نمی‌آید؛ بدون مسئولان شجاع و فعال و پُرکار هم این خواسته‌ها تأمین نخواهد شد. همه‌ی اینها را لازم داریم و باید تأمین کنیم و میتوانیم تأمین کنیم (۱ فروردین ۹۶).

تکیه انقلاب به آراء مردم

در انقلابهای گوناگون، در فاصله‌های زمانی گوناگون، آن کسانی که پیشواها و به اصطلاح رهبران ملتها بودند، بالاخره در ماندند؛ گفتند آقا! ما اختیارات تام و تمام میخواهیم. دکتر مصدق دو سال و خرده‌ای در این کشور حکومت کرد، بخش عمده‌ای از این دو سال، دو مجلس آن روز را منحل کرد و اختیارات مجلس را هم در اختیار گرفت؛ گفت بدون این، نمیتوانم، حالا مصدق که یک حکومت مردمی بود، اما طاقت نیاورد؛ نتوانست. حالا یک انقلاب مردمی به وجود بیاید؛ یک انقلاب با این جمعیت کشور که امروز سه برابر جمعیت آن روز است، با این همه توطئه‌ای که علیه این ملت میشود و این همه تبلیغات، اما این انقلاب با شجاعت تمام بر آراء مردم تکیه میکند؛ خاطرش جمع است و میخواهد این انتخابات که به معنای دخالت مردم، حضور مردم، تصمیم‌گیری مردم است، به هر قیمتی باشد (دی ۱۹۸۶)؛

تأثیر بلند مدت انتخابات

انتخابات یک حادثه‌ی یکروزه است، ظرف یک روز انجام میگردد؛ اما از آن حوادثی است که تأثیر آن، تأثیر بلندمدت است. انتخابات ریاست جمهوری را شما در ظرف یک روز انجام میدهید، اما اولاً کسی را یا کسانی را برای مدت چهار سال بر سرنوشت کشور و جریانهای عمده‌ی کشور حاکم میکنید؛ ثانیاً دامنه‌ی تأثیر آن به همان چهار سال هم محدود نمی‌ماند. گاهی اوقات دولتها کارهایی میکنند که تأثیرات آن تا سالها باقی میماند؛ چه کارهای خوب، چه خدای نکرده کارهای غیر خوب؛ تأثیر آن منحصر نمی‌ماند به آن چهار سال؛ مثل

یک جریانی ادامه پیدا میکند. پس شما در یک روز، یک انتخابی میکنید، یک اقدامی میکنید که تأثیر آن در کوتاه‌مدت، در چهار سال، و در بلندمدت، گاهی در چهل سال باقی میماند؛ اینقدر انتخابات مهم است (۲۵ اردیبهشت ۹۲).

... پس انتخابات از این جهت بسیار مهم است که ملت ایران میخواهد اداره‌ی کشور را برای چهار سال به دست انسانی بسپرد که از لحاظ قانونی اختیارات بسیار وسیعی دارد، امکانات بی‌ظیری در اختیار دارد و میتواند ملت و کشور را چهار سال و یا حتی بیش از چهار سال جلو ببرد؛ و میتواند متوقف نگه دارد یا خدای نکرده به عقب برگرداند (۱۴ خرداد ۸۴).

انتخابات مظهر خداپاوری و اسلام

انتخابات از جهت دیگر هم مهم است، و آن این است که انتخابات نماد حرکت اسلامی در کشور ماست. انتخابات، هدیه‌ی اسلام به ملت ماست... (۱۴ خرداد ۸۴).
انتخابات مال ملت ایران است، مال جمهوری اسلامی است، مال اسلام است (۱۹ دی ۸۶)؛

برادران و خواهران عزیزم! ملت عزیز ایران! انتخابات مظهر... سه باوری است که در امام وجود داشت و باید در ما وجود داشته باشد: مظهر خداپاوری است، چون تکلیف است. وظیفه‌ی ما است، تکلیف ما است که در سرنوشت کشور دخالت کنیم؛ تک‌تک آحاد ملت این تکلیف را دارند. مظهر مردم‌پاوری است، چون انتخابات مظهر اراده‌ی آحاد مردم است؛ مردمنده که مسئولان کشور را به این وسیله انتخاب میکنند. و مظهر خودپاوری است، چون هر کسی که رأی در صندوق می‌اندازد، احساس میکند که به سهم خود در سرنوشت کشور دخالت

کرده است، به سهم خود تعیین کرده است؛ این خیلی چیز مهمی است. پس انتخابات هم مظهر خداباوری است، هم مظهر مردم‌باوری است، هم مظهر خودباوری است (۱۴ خرداد ۹۲).

شرکت در انتخابات، حق و وظیفه همگانی

در انتخابات، همه‌ی سلیقه‌ها و جریانهای معتقد به جمهوری اسلامی باید شرکت کنند؛ این، هم حق همه است، هم وظیفه‌ی همه است. انتخابات مال یک سلیقه‌ی خاص، مال یک جریان فکری و سیاسی خاص نیست. همه‌ی کسانی که به نظام جمهوری اسلامی و به استقلال کشور معتقدند، به آینده‌ی کشور اهمیت میدهند، دلشان برای منافع ملی میسوزد، باید در انتخابات شرکت کنند. رو گرداندن از انتخابات، مناسب کسانی است که با نظام اسلامی مخالفند. در نهایت، رأی مردم تعیین کننده است. آنچه که اهمیت دارد، تشخیص شما و رأی شما است. باید خودتان تحقیق کنید، ملاحظه کنید، دقت کنید، از انسانهای مورد اعتمادتان پرسید، تا به اصلح برسید و اصلح را انتخاب کنید. رهبری، یک رأی بیشتر ندارد. بنده‌ی حقیر مثل بقیه‌ی مردم، یک رأی دارم؛ این رأی هم تا وقتی که در صندوق انداخته نشود، هیچ کس از آن مطلع نخواهد بود. حالا ممکن است آن کسانی که صندوق دست آنها است، بعد باز کنند، خط این حقیر را بشناسند، بفهمند بنده به چه کسی رأی دادم؛ اما تا قبل از رأی دادن، کسی مطلع نخواهد شد. اینجور نیست که کسی بیاید نسبت بدهد که رهبری نظرش به فلان است، به بهمان نیست. اگر چنین نسبتی داده شد، این نسبت درست نیست... البته هر کسی و یا فعالان سیاسی میتوانند دیگران را هم با نظر خودشان هم رأی کنند

— این اشکالی ندارد — اما از حقیر کسی چیزی در این زمینه نخواهد شنید. در عین حال مردم میتوانند به همدیگر بگویند، سفارش کنند، تأکید کنند، توصیه کنند، یکدیگر را توجیه کنند و به هم کمک کنند برای شناخت اصلح. به هر حال آنچه که ملاک عمل است، رأی آحاد مردم است (۱ فروردین ۹۲).

حضور مردم، سدی مقابل دشمنان

انتخابات یکی از آزمونهای بزرگ ملت ایران در مقابل چشم دشمنان است؛ به همین جهت روی انتخابات ما حساسند (۲۲ اردیبهشت ۹۲).

آن چیزی که تا امروز مثل سدی جلوی تعرض آنها را به نظام جمهوری اسلامی گرفته، حضور شما مردم است. حضور مردم در روز انتخابات، حضوری واضح تر از همه جای دیگر است. همه‌ی مردم کشور پای صندوق های رأی می‌آیند و میتوانند بیایند؛ این یک حضور همگانی است. هر کس پای صندوق رأی می‌آید، در واقع رأی به جمهوری اسلامی، رأی به قانون اساسی و رأی به مواد غیرقابل تغییر قانون اساسی - یعنی اسلام و ارزشهای اسلامی - میدهد (۲۵ خرداد ۸۴).

امروز در کشور ما مسئولانِ سطوح مختلف به‌وسیله‌ی مردم انتخاب شده‌اند؛ یا مستقیم یا غیرمستقیم. مسئول انتصابی، مسئولیت موروثی، مسئولیت به خاطر پول و چیزهای مادی و دنیوی، در نظام جمهوری اسلامی نداریم. انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات مجلس شورای اسلامی، انتخابات خبرگان تعیین رهبری، و انتخابات شورای شهر جزو افتخارات ملت ایران، جزو افتخارات اسلام، و جزو افتخارات شخص امام است. قانون اساسی ما با تعیین موارد این انتخاب‌های

حساس و سرنوشت‌سازِ مقطعی توانسته است در دنیای اسلام، ذهن‌ها و فکرهای مؤمن و روشن و تحول‌خواه را به خود جذب کند (۱۴ خرداد ۸۴).

انتخابات رکن مردم سالاری دینی

برادران و خواهران عزیز! انتخابات در کشور ما بسیار مهم است، نه فقط انتخاب ریاست جمهوری؛ انتخابات مجلس هم همین‌جور است، انتخابات شوراها هم همین‌جور است. انتخابات یکی از دو رکن مردم‌سالاری دینی است. مردم‌سالاری دینی روی دو ستون ایستاده است؛ یکی از این دو ستون رأی مردم است، انتخابات است. ما به برکت انتخابات به دنیا فخر می‌فروشیم. دشمنان برای کوبیدن ملت ایران و جمهوری اسلامی انتخابات ما را ندیده می‌گیرند و متهم می‌کنند. این نشان می‌دهد انتخابات خیلی مهم است. انتخابات بسیار مهم است. مایه‌ی عزت ملی است؛ مایه‌ی تقویت ملت ایران است؛ مایه‌ی آبروی ملت ایران است. آنچه امروز در [بارهی] مسئله‌ی انتخابات عرض می‌کنم این است که این یک پدیده‌ی اقتدارآفرین است؛ مردم دنیا، صاحب‌نظران دنیا در مقابل فکر مردم‌سالاری دینی که در دنیا مطرح شد، مجذوب شدند. در مقابل مکاتب گوناگون مثل لیبرالیسم و کمونیسم و فاشیسم و امثال اینها، امام بزرگوار مردم‌سالاری دینی را که همان جمهوری اسلامی است، وارد میدان کرد و ملتها را و خواص را در همه‌ی امکان‌های عالم، در همه‌ی کشورهای دنیا مجذوب خود کرد. این مردم‌سالاری دینی متکی است به انتخابات و باید در انتخابات واقعاً ملت ایران بدرخشد (۱۱ فروردین ۹۶).

حضور حداکثری هدف اول در انتخابات

به نظر من مسئله‌ی اول در انتخابات، مسئله‌ی انتخاب این شخص یا آن شخص نیست؛ مسئله‌ی اول، مسئله‌ی حضور شماست. حضور شماست که نظام را تحکیم میکند، پایه‌های نظام را مستحکم میکند، آبروی ملت ایران را زیاد میکند، استقامت کشور را در مقابل دشمنیها زیاد میکند و دشمن را از طمع ورزیدن به کشور و از فکر ضربه زدن و توسعه و فساد و فتنه منصرف میکند^(۲۲ اردیبهشت ۹۲).

شرکت مردم در انتخابات، یک مشارکت عظیمی باشد؛ این مصون‌کننده است. همه‌ی تلاش دست‌اندرکاران، امروز و فردا و روز انتخابات و در اثنای مقدمات و مؤخرات، باید این باشد: حضور مردم، حضور گسترده‌ای باشد^(۲۴ مهر ۹۱). همه‌ی آحادی که میتوانند رأی بدهند و مشمول قانونند وارد انتخابات بشوند و انتخابات را پُرشور کنند؛ این اولین خواسته و مهم‌ترین خواسته‌ی ما است^(۱ فروردین ۹۶).

اصل مطلب در مسئله‌ی انتخابات، ایجاد حماسه‌ی سیاسی است؛ حضور حماسی مردم در پای صندوقها است. حماسه یعنی چه؟ حماسه یعنی آن کار افتخارآفرینی که با شور و هیجان انجام میگیرد. هر رأیی که شما به یکی از این نامزدهای محترم بدهید... رأی به جمهوری اسلامی داده‌اید. رأی به هر نامزدی، رأی به جمهوری اسلامی است؛ رأی اعتماد به نظام و سازوکار انتخابات است. اینکه شما وارد عرصه‌ی انتخابات میشوید؛ چه آن کسی که نامزد ریاست جمهوری است، چه آن کسی که انتخاب میکند - مثل من و شما - نفس ورود در این میدان، به معنای اعتماد به جمهوری اسلامی و اعتماد به سازوکار انتخابات است^(۱۴ خرداد ۹۲)؛

شور انتخاباتی در کشور و حضور مردم پای صندوقهای رأی میتواند تهدیدهای دشمنان را بی اثر کند؛ میتواند دشمن را ناامید کند؛ میتواند امنیت کشور را تأمین کند. ملت عزیز ما در همه ی نقاط کشور این را بدانند؛ حضور گسترده ی آنها در پای صندوق رأی، در آینده ی کشور تأثیر دارد؛ در امنیت، در استقلال، در ثروت ملی، در اقتصاد، در همه ی مسائل مهم کشور تأثیر میگذارد... انتخابات باید به توفیق الهی، به کمک پروردگار، با همت ملت ایران، با مشارکت گسترده تحقق پیدا کند (۱ فروردین ۹۲).

انتخاب اصلح، هدف دوم انتخابات

مسئله ی بعدی در انتخابات این است که مردم سعی کنند صالح ترین را انتخاب کنند. آن کسانی که نامزد ریاست جمهوری میشوند و در شورای نگهبان صلاحیت آنها زیر ذره بین قرار میگیرد و شورای نگهبان صلاحیت آنها را اعلام میکند، اینها همه شان صالحند. اما مهم این است که شما در بین این افراد صالح، بگردید و صالح ترین را پیدا کنید. این جا جایی نیست که من و شما بتوانیم به حداقل اکتفاء کنیم؛ دنبال حداکثر باشید؛ بهترین را انتخاب کنید (۲۲ اردیبهشت ۹۲).

شرکت در انتخابات یک واجب شرعی است.

در این انتخابات هم خدای متعال این طور مقدر فرمود که انواع سلاقی مختلف بتوانند در بین نامزدهای این انتخابات، یک نفر را پیدا کنند. این، چیزی است که امروز برای کشور و ملت ما پیش آمده است. در جامعه، اختلاف سلیقه و اختلاف دید و نظر درباره ی مسائل سیاسی و اقتصادی و مدیریتی و اجتماعی و فرهنگی وجود دارد؛ خیلی خوب، هر کس شخصی را که فکر میکند به نظر او نزدیکتر است،

امروز میتواند انتخاب کند. میدان انتخابِ بازی در مقابل ملت ما قرار دارد و ملت هم الحمدلله شور انتخاباتی دارند؛ پیداست آماده‌ی حضور هستند و به توفیق الهی حضور خوبی هم به وجود خواهد آمد.

البته شرکت در انتخابات، هم حق مردم است و هم تکلیف شرعی و واجب شرعی است. دشمنان ملت ایران هم با این بشدت مخالفند. محاسبه هم محاسبه‌ی دو دو تا چهارتاست... (۲۵ خرداد ۸۴).

انتخابات مصونیت‌بخش به کشور است. آن چیزی که هیبت این ملت را حفظ میکند، قدرت معنوی او را به رخ دشمنان میکشاند و آنها را از تعرض منع میکند و میترساند، حضور مردمی است؛ که یکی از مظاهرش همین انتخابات است، یکی از مظاهرش هم همین بیست و دوی بهمنی است... هرچه حضور پررنگ‌تر باشد، اعتبار و ارزش ملی بالاتر خواهد رفت. انتخابات هم همین جور است. هرچه صندوقهای رأی شلوغ‌تر باشد، گسترش شرکت مردم بیشتر باشد، اعتبار کشور بالا خواهد رفت، مصونیت کشور بیشتر خواهد شد. مشارکت مردم میتواند آینده‌ی کشور را تأمین و تضمین کند (۴ بهمن ۹۰).

قانون، معیار انتخابات است

برای وارد شدن در عرصه‌ی انتخابات، تنها چیزی که حاکم است، قانون است؛ بر طبق قانون یک عده‌ای میتوانند بیایند، یک عده‌ای نمیتوانند بیایند؛ قانون معین کرده شرائط چیست، صلاحیتها چیست؛ کسانی که تشخیص صلاحیت میدهند، چه کسانی‌اند؛ اینها همه‌اش بر طبق قانون دارد انجام میگیرد (۱۴ خرداد ۹۲).

شورای محترم نگهبان، خب مردمانی پرهیزگار، متقی و آگاهند؛ طبق قانون تشخیصی میدهند و عده‌ای به عنوان افرادی که صالحند، معرفی میشوند (۲۵ اردیبهشت ۹۲)؛

شورای محترم نگهبان صلاحیتهای افرادی را احراز میکند، بعضی را هم احراز نمیکند. من اینجا سه تا نکته عرض بکنم: نکته‌ی اول این است که شورای نگهبان از لحاظ قانونی موظف است صلاحیتهای آنها را احراز کند؛ باید تشخیص بدهد، باید برسد به این که این صلاحیت وجود دارد. البته توصیه‌ی همیشگی ما این بوده است که سطح صلاحیتهای آنها را آنقدر بالا نبرند که یک عده‌ی معدودی ته آن بمانند. آنچه که موجب صلاحیت است، یک قدری سطح آن را باسماحت تر نگاه کنند. نکته‌ی دوم این که بعضیها به این نظارتهای شورای نگهبان و عوامل نظارتی معترضند. ممکن است اعتراضشان بجا و واقعاً درست هم باشد؛ منتها توجه کنیم که وقتی یک مقام مسئول قانونی مورد اعتماد تصمیمی گرفت، ما تسلیم باشیم. همه‌مان باید تبعیت کنیم. مثلاً مجلس یک قانونی را میگذراند؛ ممکن است من به آن قانون اعتراض داشته باشم، بگویم این قانون معیوب است؛ اما قانون است، باید بر طبقش عمل کنم. وقتی یک مقام مسئولی که مورد اعتماد هم هست - مثل شورای نگهبان - تصمیمی گرفت، بایستی تسلیم آن شد، باید تبعیت کرد.

نکته‌ی سوم: این را من اعلام میکنم، همه‌ی افراد بدانند؛ اینهایی که رد صلاحیت میشوند، لزوماً آدمهای بی صلاحیتی نیستند. اینجور خیال نشود که حالا چون فلانی در انتخابات رد صلاحیت شد، پس دیگر بکلی از صلاحیت ساقط است؛ نه، طبق قانون، در انتخابات نمیتواند به عنوان نامزد شرکت کند، اما ممکن است مقامی که او را رد صلاحیت کرده، اشتباه کرده باشد. ممکن است برای این کار صلاحیت نداشته باشد، اما صلاحیتهای فراوان دیگری داشته باشد. اینجور نباشد که اگر کسی رد صلاحیت شد، این معنایش این باشد که او دیگر از هستی ساقط شد؛ نه، صلاحیتهای گوناگون دیگری وجود دارد^{(۱۴) همین ۹۰}.

چرا شورای نگهبان را تخریب می کنند؟!

یکی از کارهایی که آنها(دشمنان) امروز بجد دنبال میکنند این است که شورای نگهبان را تخریب کنند؛ ببینید برادران و خواهران عزیز! تخریب شورای نگهبان معنا دارد. آمریکایی‌ها از اوّل انقلاب با چند نقطه‌ی اساسی در کشور و در نظام جمهوری اسلامی بشدّت مخالف بودند که یکی‌اش شورای نگهبان بود؛ سعی کردند، تلاش کردند و از بعضی افراد داخلی غافل و بی‌توجه هم سوءاستفاده کردند بلکه بتوانند بساط شورای نگهبان را جمع کنند -البته نتوانستند و نمیتوانند- حالا درصددند تصمیم‌های شورای نگهبان را زیر سؤال ببرند. معنای این کار چیست؟ جوانهای عزیز ما به این درست توجه کنند؛ وقتی تصمیم‌های شورای نگهبان زیر سؤال رفت و ادّعا شد که اینها غیر قانونی است، معنایش چیست؟ معنایش این است که انتخاباتی که پیش رو است، غیر قانونی است؛ وقتی انتخابات غیر قانونی شد، برخلاف قانون شد، نتیجه‌اش چیست؟ نتیجه‌اش این است (دولت یا) مجلسی که بر

اساس این انتخابات تشکیل خواهد شد، غیر قانونی است؛ معنای غیر قانونی بودن مجلس این است که در طول چهار سال هر قانونی که در این مجلس بگذرد، اعتبار ندارد و بی اعتبار است؛ یعنی کشور را چهار سال در خلأ مجلس و خلأ قانون نگه داشتن؛ معنای تخریب شورای نگهبان این است و دشمن این را میخواهد. البته آن کسانی که با دشمن در داخل هم صدایی میکنند، بیشترشان ملتفت نیستند چه کار میکنند. من متهم نمیکنم کسی را به خیانت؛ ملتفت نیستند، توجّه ندارند اما واقع قضیه این است. تخریب شورای نگهبان، اینکه شورای نگهبان را ما زیر سؤال ببریم و بگوییم که تصمیم گیری‌هایشان برخلاف قانون بوده است، تخریب شورای نگهبان نیست، تخریب انتخابات است، تخریب مجلس است، تخریب چهار سال قانون گذاری در مجلس است؛ دنبال این هستند. ببینید، نقشه را چه زیرکانه میکشند. این را من باید به افکار عمومی بگویم؛ افکار عمومی باید بدانند این را؛ آن کسی که علیه شورای نگهبان حرف میزند، خودش ملتفت نیست و توجّه ندارد که چه کار دارد میکند اما کار این است. تلاش دشمن متمرکز است بر اینکه جمهوری اسلامی را از مردم سالاری دینی - این پدیده بی نظیر، این پدیده بدیع، این پدیده‌ی جذاب برای ملت‌های مسلمان - محروم کنند؛ تلاششان این است. اگر میتوانستند انتخابات را متوقف میکردند که نتوانستند و نخواهند توانست؛ اگر میتوانستند شورای نگهبان را از بین میبردند یا نظارت او را بی اثر میکردند که نتوانستند. حالا که نتوانستند، به این راه‌ها متوسّل شدند، از این راه‌ها دارند وارد میشوند؛ باید حواسمان جمع باشد (۲۸ بهمن ۹۴).

انتخابات ما سالم است

البته سلامت انتخابات هم مسئله‌ی اساسی و مهمی است. منتها فرض ما بر این است که مسئولین کشور با وجدان اسلامی و الهی وارد میشوند و انتخابات ما سالم است. در گذشته هم که در دولتهای مختلف انتخابات انجام گرفته است - چه انتخابات ریاست جمهوری، چه انتخابات مجلس، چه دیگر انتخاباتها - فرض ما بر این بوده است که انتخابات، انتخابات سالمی است. البته مراقبتهای گوناگون از جهات مختلف لازم است انجام بگیرد^(۲۴ مهر ۹۱).

آراء مردم باید صیانت شود. هم مسئولانی که در وزارت کشور هستند، و هم نظاری که وابسته‌ی به شورای نگهبان هستند، باید مراقب باشند و از یکایک آراء مردم صیانت و حفاظت کنند. البته ما به مسئولان خود اعتماد داریم؛ اما باید کاملاً مراقب و مواظب باشند؛ چون آراء مردم امانت الهی در دست آنهاست^(۲۵ خرداد ۸۴).

ما البته سفارش کرده‌ایم؛ مکرر سفارش کرده‌ایم؛ مکرر هم سفارش خواهیم کرد به همه‌ی دست‌اندرکاران؛ هم به وزارت کشور، هم به شورای محترم نگهبان، به نظار و مجریان؛ مراقب باشند، مسؤولیتشان را، وظیفه‌شان را درست انجام بدهند، خوب انجام بدهند، آراء مردم دست اینها امانت است؛ نگذارند کسی دخالت بکند؛ نفوذ بکند. این سفارش را همیشه کرده‌ایم. مراعات هم کرده‌اند؛ باز هم مراعات خواهند کرد به فضل الهی^(۱۹ دی ۸۶).

مجریان انتخابات در اجرای درست انتخابات، دقت کامل را به کار ببرند... این سی و دو سه انتخاباتی که از اول انقلاب تا امروز داشتیم، خوشبختانه همه‌ی اینها سالم بوده. البته در همه‌ی اینها کسانی معترض بوده‌اند، اعتراضها رسیدگی هم شده،

احیاناً تخلفات بوده است، اما هرگز عدم سلامت در انتخابات وجود نداشته است. بعد از این هم باید همین جور باشد^(۴۱ بهمن ۹۰).

همه باید تابع قانون باشند.

افراد متعددی آمده‌اند. ان‌شاء‌الله شورای محترم نگهبان طبق وظائف قانونی خود، آن کسانی را که صلاحیت دارند، به مردم معرفی خواهد کرد. همه هم باید تابع قانون باشند. آنجائی اشکال پیش می‌آید که تخلف از قانون انجام میگیرد. سال ۸۸ اشکالاتی که وارد شد، خسارتی که به کشور وارد کردند و نگذاشتند کشور و ملت طعم آراء چهل میلیونی را درست بچشد، به خاطر تخلف از قانون بود^(۲۵ اردیبهشت ۹۲).

در مسئله‌ی انتخابات و غیر انتخابات، همه باید تسلیم رأی قانون باشند؛ در مقابل قانون تمکین کنند. آن حوادثی که در سال ۸۸ پیش آمد — که برای کشور ضرر داشت و ضایعه‌آفرین بود — همه از همین ناشی شد که کسانی نخواستند به قانون تمکین کنند؛ نخواستند به رأی مردم تمکین کنند^(۱ فروردین ۹۲).

یک عده‌ای یا برای خاطر اغراض نفسانی، یا هدفهای خلاف سیاسی، یا هرچه — حالا در آن زمینه نمیخواهیم قضاوتی بکنیم — از قانون تخلف کردند، خطا کردند، از راه غیر قانونی وارد شدند؛ هم به خودشان صدمه زدند، هم به ملت صدمه زدند، هم به کشور صدمه زدند. راه درست، راه قانون است. همه تابع قانون باشند، همه تسلیم قانون باشند. گاهی ممکن است یک قانون، صددرصد درست هم نباشد، اما از بی قانونی بهتر است. گاهی ممکن است در یک بخشی، یک خطائی هم از مجری قانون سر بزند که من و شما بفهمیم او در اجرای قانون این خطا را کرده است؛ اما

اگر نتوانیم آن را از طریق قانونی اصلاح کنیم، تحمل آن بهتر است از این که باز بی قانونی کنیم؛ از راه بی قانونی بخواهیم آنچه را که به نظر ما خطا است، درست کنیم. قانون، معیار بسیار خوبی است؛ وسیله‌ای است برای آسایش کشور، آرامش کشور، حفظ وحدت ملی، ادامه‌ی راه عمومی (۲۵ اردیبهشت ۹۲).

ممکن است رأی مردم برخلاف آن چیزی باشد که من شخصی مایل به آن هستم؛ اما باید تمکین کنم. آنچه که اکثریت مردم، اغلیت مردم آن را انتخاب کردند، باید همه تمکین کنند؛ همه باید زیر بار بروند. خوشبختانه سازوکارهای قانونی برای رفع اشکال، رفع اشتباه، رفع شبهه وجود دارد؛ از این راهکارهای قانونی استفاده کنند. این که وقتی آنچه که اتفاق افتاده است، برخلاف میل ما شد، مردم را به شورش خیابانی دعوت کنیم — که این در سال ۸۸ اتفاق افتاد — یکی از خطاهای جبران‌ناپذیر است. این تجربه‌ای شد برای ملت ما، و ملت ما همیشه در مقابل یک چنین حوادثی خواهد ایستاد (۱ فروردین ۹۲).

در مقابل کسی که بخواهد با نتیجه آراء ملت در بیفتد، می ایستم!

در امر انتخابات مُرّ قانون باید عمل بشود؛ مُرّ قانون باید عمل بشود. نتیجه‌ی انتخابات ملت هر چه شد، این معتبر است، این قانون است. بنده در انتخاباتها دخالت نمیکنم؛ هیچ وقت به مردم نگفته‌ام و نمیگویم این کس را انتخاب کنید، آن کس را انتخاب نکنید. فقط یک جا بنده دخالت میکنم و آن جایی است که کسانی بخواهند در مقابل رأی مردم و انتخاب مردم بایستند و با مزاحمت در مقابل رأی مردم را بشکنند. هر کس بخواهد با نتیجه آراء ملت در بیفتد، بنده در مقابلش می ایستم. در سالهای گذشته و انتخاباتهای گذشته هم همین جور بوده؛ در سال ۷۶

در سال ۸۴ در سال ۸۸ در سال ۹۲؛ بعضی مقابل چشم مردم بوده و مردم مطلع شده‌اند؛ بعضی را هم مردم مطلع نشده‌اند اما این حقیر در جریان قرار گرفته‌ام. در همه‌ی این سالهایی که شمردم، کسانی بودند که میخواستند در مقابل انتخابات بایستند؛ که در سال ۸۸ آشکار شد و آمدند در میدان اردوکشی کردند، و در آن سالهای دیگر جور دیگری. در همه‌ی این سالها بنده ایستادم و گفتم نتیجه‌ی انتخابات مردم هرچه هست باید تحقق پیدا کند؛ این آنجایی است که من در امر انتخابات دخالت میکنم و در مقابل مخالفین و معارضین انتخابات می‌ایستم؛ اما در بقیه‌ی امور دیگر نه، باید مَرِّ قانون عمل بشود؛ مردم تشخیص بدهند و حرکت کنند^{۱)}

فروردین ۹۶.

نقطه مقابل خواست دشمن عمل کنیم

از حدود یک سال پیش، دستگاههای تبلیغاتی دشمنان ملت ایران، با یک شیب ملایمی شروع کردند علیه این انتخابات حرف زدن و اقدام کردن و مطلب ساختن؛ دستگاههای امنیتییشان هم مشغول شدند به خبرگیری و گمانه‌زنی و پیشنهاد دادن. روی این انتخابات حساسند. امروز هم شما وقتی به خبرهای رسانه‌های گوناگون خارجی - که بسیاری از اینها دل پرکینه و پردشمنی‌ای نسبت به ملت ایران دارند - نگاه کنید، خواهید دید نسبت به انتخابات ما بیتفاوت نیستند و سعی میکنند اغراض خودشان را عمل کنند. این اغراض چیست؟ در درجه‌ی اول، هدفشان تعطیل شدن انتخابات است که انتخابات نباشد. در یک دوره‌ای سعی کردند انتخابات مجلس شورای اسلامی را به انواع و اقسام حیل‌ها متوقف کنند. خدای متعال نخواست و اراده‌ی مردان مؤمن نگذاشت؛ نتوانستند. از این مأیوسند که انتخابات را بکلی تعطیل کنند. در درجه‌ی بعد، هدفشان این است که انتخابات سبک و سرد برگزار بشود. میخواهند ملت ایران حضور فعالی در انتخابات نداشته باشد.

ملت عزیز ایران! من به شما عرض میکنم، درست در نقطه‌ی مقابل خواست دشمنان، همه‌ی ما باید در انتخابات حضور فعالی داشته باشیم. انتخابات آبروی ملی ماست؛ انتخابات یکی از شاخصهای رشد ملی ماست؛ انتخابات وسیله‌ای برای عزت ملی است. وقتی ببینند که ملت ایران با شور و با شعور و با درک کامل و آگاهی پای صندوقهای رأی میروند، معنایش چیست؟ معنایش این است ملت برای خود حق و توان تصمیم‌گیری قائل است؛ میخواهد در آینده‌ی کشور اثر بگذارد و مسئولان کشور و مدیران اصلی کشور را انتخاب کند. انتخاب رئیس‌جمهور یعنی

انتخاب رئیس قوهی مجریه و کسی که اغلب امکانات کشور در اختیار اوست. و میبینید اگر چنانچه رئیس جمهوری شور و نشاط و شوق و اراده داشته باشد، چه خدمات بزرگی را برای این کشور انجام میدهد؛ میخواهند این نباشد. من عرض میکنم: همه باید اصرار داشته باشید که در انتخابات شرکت کنید (۲۲ اردیبهشت ۹۲).

یکی از نمونه‌های عظمت این نظام، همین انتخابات است. برای همین هم هست که انتخابات ملت ایران - این پدیده‌ی به این وضوح - را انکار میکنند. مردم سالاری، این چیز واضح را که وابسته‌ی به انتخابات مردمی است... دشمنان عنود و لجوج انکار میکنند. چرا؟ چون میدانند که این یکی از آن شاخصه‌های مهم پیروزی ملت ایران است.

... در دوره‌ی قبل - چهار سال قبل از این - یک ماجرائی راه انداختند؛ یک نمایشی بود؛ یک بازی ای بود و هدف هم همین بود که بلکه انتخابات را تعطیل کنند، خدای متعال نخواست و نگذاشت؛ ایستادگی مردم مؤمن نگذاشت که انتخابات را اینها بتوانند تعطیل کنند (۱۹ دی ۸۶).

من چیزهایی را که میبینم، چیزهایی را که احساس میکنم، باید با ملت عزیزمان در میان بگذارم. بعضی از حرفها را باید به مسئولین محترم بگویم و میگویم، بعضی از حرفها را باید افکار عمومی ملتمان مورد توجه قرار بدهند و من وظیفه دارم آنها را به ملتمان عرض بکنم: دشمن درصدد آن است که افکار عمومی ما را از اهداف خود و نیات پلید خود غافل نگه دارد؛ برنامه‌هایی را میچینند، قطعات جداگانه‌ای را در جاهای مختلف تدارک می‌بینند تا این قطعات را به هم وصل کنند، آن وقت آن نقشه و توطئه‌ی اصلی آنها تحقق پیدا کند؛ ما باید نگذاریم. چه کسی باید

نگذارد؟ ملت. کشور مال شما است، کشور مال ملت است، صاحب کشور، ملت عزیز ما است؛ او باید نگذارد؛ منتها امثال این حقیر هم وظیفه داریم که ملت عزیز را آگاه کنیم. من میبینم که در زمینه‌ی انتخابات، دشمنان دارند تلاش میکنند؛ میخواهند انتخابات آن‌جوری که آنها میخواهند برگزار بشود. البته ته دلشان این بود که انتخابات برگزار نشود؛ چند سال قبل از این در یک دوره‌ای تلاش هم کردند که بلکه بتوانند کاری کنند که انتخابات برگزار نشود؛ خدای متعال نگذاشت؛ از آن مأیوسند و میدانند که سعی آنها برای متوقف کردن انتخابات کشور به جایی نخواهد رسید، لذا میخواهند اعمال نفوذ کنند در انتخابات و هر جور میتوانند انتخابات را خراب کنند؛ مردم باید آگاه باشند و نقطه‌ی مقابل آنچه آنها میخواهند، عمل کنند (۲۸ بهمن ۹۴).

رها کردن مواضع و عقب‌نشینی منزه‌مانه (حالت شکست خورده) در مواجهه‌ی با دشمن، از جمله‌ی چیزهایی است که قرآن تأکید میکند که نباید انجام بگیرد؛ در جنگ نظامی و در جنگ سیاسی و در جنگ اقتصادی، در هر جایی که صحنه‌ی زورآزمایی است، در مقابل دشمن باید ایستاد؛ باید عزم شما بر عزم دشمن پیروز بشود، باید اراده‌ی شما بر اراده‌ی دشمن غالب بشود؛ و میشود و این ممکن است. در عرصه‌ی هرگونه جهاد و کارزاری، پشت کردن به دشمن و هزیمت کردن، از نظر اسلام و قرآن ممنوع است (۲۹ آبان ۹۲).

انتخابات مایه آبروی نظام است

... همه‌ی انتخابات‌ها مهم است، این هم از جمله مهم است. مردم وظائفی دارند؛ مسؤولین، نخبگان و وظائفی دارند. سعی شود اهمیت و ارزش و عظمت انتخابات

محفوظ بماند؛ معلوم باشد. مردم با امید و اعتماد به پای صندوقها بروند. من میبینم متأسفانه در اظهارات بعضیها - حالا ان شاء الله که از روی غرض‌ورزی نیست - مرتب تکیه میکنند: آقا! تقلب نشود، آقا! تقلب نشود؛ آقا! دستبرد نشوند. چه تقلبی؟! قریب به سی سال است که دستگاههای مجری این مملکت دارند انتخابات را انجام میدهند با سلامت کامل. بعضیها حتی شرم نکردند، گفتند ناظرین بین‌المللی ببینند نظارت کنند بر این انتخابات؛ بیگانه‌ها، دشمنها که با اصل انتخابات و با اصل ملت ایران مخالفند؛ با هر چیزی که به نفع ایران است مخالفند، اینها ببینند بشوند قاضی! این، بزرگترین جسارت به ملت ایران است. نه، بیخود مبالغه نکنند... حیثیت انتخابات عظیم مردم و این کار بزرگ مردم را مرتب با اینکه شبهه‌اندازی کنند که آره، بناست تقلب بشود، بناست فلان بشود، نشکنند^(۱۹دی ۸۶).

انتخابات برای کشور مایه‌ی آبروست، مایه‌ی افتخار است. همه مراقب باشند که انتخابات مایه‌ی بی‌آبرویی برای کشور نشود؛ آطوری که در سال ۸۸ یک عده ای سعی کردند انتخابات را مظهر اختلافات وانمود کنند، جنجال سیاسی طبیعی انتخابات را تبدیل کنند به یک فتنه؛ که البته ملت ایران در مقابلش ایستاد و هر وقت هم شبیه آن اتفاق بیفتد، ملت در مقابل آن خواهد ایستاد^(۲۴مهر ۹۱).

لزوم مرزبندی با دشمن

(همه)مراقب فعالیت‌های دشمن باشند. حالا دو روز قبل از این بوش، رئیس جمهور امریکا گفت ما از فلان دسته در ایران حمایت میکنیم. این ننگ است برای هر کسی که امریکا بخواهد او را تحت‌الحمایه‌ی خود بگیرد. اول، خود آن کسانی که آن دشمن وحشی میخواهد از آنها حمایت کند، بعد هم مردم فکر کنند، ببینند

چرا میخواهد حمایت کند. کدام نقص در اینها هست که موجب شده است دشمن بخواهد از او حمایت کند. در داخل یک خانواده ممکن است دو تا برادر، یک برادر و خواهر با هم اختلاف داشته باشند. اگر دشمن، دزد، خائنی که بیرون خانه است، با یکی از اینها ارتباط برقرار کرد و گفت من طرف تو هستم، آن بایستی به خود بیاید، بگوید من چه غلطی کردم، چه اشتباهی کردم که این دشمن خانوادگی میخواهد از من حمایت کند. مردم هم باید حواسشان جمع باشد؛ نگذارید انتخابات بشود ملعبه‌ی دست بیگانگان.

مرزهاشان را با دشمن مشخص و متمایز کنند. من بارها به بعضی از افراد سیاسی که فعالیتهائی دارند و گاهی یک مخالف‌خوانی هائی میکنند، تذکر داده‌ام، نصیحت کرده‌ام؛ گفته‌ام مواظب باشید مرزهای میان شما و دشمن کمرنگ نشود؛ پاک نشود. مرز وقتی کمرنگ شد، احتمال اینکه کسانی از این مرز عبور کنند یا دشمن از این مرز عبور کند و بیاید این طرف یا دوست و خودی غافل شود و از مرز عبور کند و برود به دامن دشمن، زیاد خواهد بود. مرزها را روشن کنید؛ مشخص کنید. این ملت... با توطئه‌ی امریکا، با دشمنی امریکا، با انواع و اقسام لطمه‌زدن‌های امریکا مواجه است. هر کار توانستند علیه این ملت کرده‌اند. مواظب باشید مرزهاشان را مشخص کنید. کسانی هستند مزدور آنها؛ کسانی هستند نوکر آنها؛ کسانی هستند در خدمت آنها. مرزهاشان را با اینها هم روشن کنید و مشخص کنید. وقت بصر و صبر، یکی همین جاست؛ بصیرت. ملت ایران وقت انتخابات که میرسد، احتیاج به بصیرت دارد؛ نگاه کند ببیند دشمن چه موضعی گرفته است در قبال این حرکت عظیم مردمی؛ حواس خود را جمع کند، تصمیم درست بگیرد. این هم

وظیفه‌ی ما مردم است که بایستی مراقبت کنیم (۱۹ دی ۸۶).

انتخابات فرصتی برای ماست

دشمنان ما در خارج، بیچاره‌ها در فکر اینند که از این انتخابات تهدیدی درست کنند علیه نظام اسلامی؛ در حالی که انتخابات فرصت بزرگ نظام اسلامی است. آنها امید دارند که انتخابات یا سرد باشد، تا بتوانند بگویند مردم به نظام اسلامی علاقه‌ای ندارند؛ یا دنبال انتخابات، فتنه به وجود بیاورند؛ کما اینکه در سال ۸۸ به دنبال آن انتخابات پرشور، فتنه درست کردند. دشمنان این ملت، دنبال این چیزهایند. اما آنها اشتباه میکنند، مردم ما را نشناخته‌اند. دشمنان این ملت، روز نهم دی را فراموش کرده‌اند. آن کسانی که فکر میکنند در این کشور یک اکثریتی خاموش و مخالف با نظام جمهوری اسلامی‌اند، یادشان رفته است... که هر سال در بیست و دوم بهمن، در همه‌ی شهرهای این کشور، جمعیت‌های عظیم به دفاع از نظام جمهوری اسلامی بیرون می‌آیند و «مرگ بر آمریکا» می‌گویند. برای اینکه فضای انتخابات را سرد کنند، هیئت‌های فکری‌شان پشت سر رسانه‌ها و سخنگویان سیاسی می‌نشینند، مرتب حرف درست میکنند و تحویل رسانه‌ها میدهند. یک روز می‌گویند انتخابات مهندسی شده است، یک روز می‌گویند انتخابات آزاد نیست، یک روز می‌گویند انتخابات از نظر مردم مشروع نیست. نه مردم ما را می‌شناسند، نه انتخابات ما را می‌شناسند، نه نظام جمهوری اسلامی را می‌شناسند؛ آنجائی هم که می‌شناسند، بی‌انصافی میکنند و ابائی هم ندارند از این بی‌انصافی.

آن دشمن بیرونی می‌نشیند، بر همه‌ی این واقعیت‌ها چشم میبندد، حرفی میزند، و - همان طور که بار دیگری هم گفتیم - متأسفانه حنجره‌های بی‌تقوا و زبانهای بی

تقوا هم همانها را تکرار میکنند. اما ملت ایران به توفیق الهی، با حضور خود، با ایستادگی و عزم راسخ خود، به همه‌ی این ترفندها پاسخ خواهد گفت؛ و پاسخ ملت ایران، پاسخ کوبنده و قاطعی خواهد بود (۱۴ خرداد ۹۲).

درباره‌ی انتخابات ما اظهارنظر میکنند؛ چه کسانی؟ آن کسانی که زندان گواتاناموشان مایه‌ی بی آبرویشان است؛ هواپیمای بدون سرنشینشان بر بالای روستاهای محروم پاکستان و افغانستان، لکه‌ی ننگ در دامانشان است؛ آن کسانی که جنگ‌افروزی در منطقه‌ی حساس ما و اشغال دو تا کشور مسلمان، جزو بی آبروگی هایشان است؛ آن کسانی که دفاع و حمایت بیقید و شرطشان از رژیم جنایتکار صهیونیستی، مایه‌ی خجلت و شرمندگیشان است - اگر بفهمند - اینها به جمهوری اسلامی آبرومند و سرافراز انتقاد میکنند! این اظهارنظرها جواب ندارد؛ اصلاً در خور اعتنای ملت ایران و مسئولان سرافراز این ملت نیست. اما برای همه‌ی آحاد ملت ایران و برای همه‌ی ما عبرت‌انگیز است که ببینید این انتخابات چقدر برای آنها حساس است. مخصوص این انتخابات هم نیست؛ سی و چند سال است که هر وقت ما یک انتخاباتی داریم، همین بساط هست؛ همیشه جنجال میکنند، همیشه سعی میکنند، همیشه هم تودهنی میخورند. از کی؟ از این ملت بزرگ. به توفیق الهی، این دفعه هم تودهنی خواهند خورد (۱۶ خرداد ۹۲).

هدف دشمنان نقطه مقابل هدف ملت ایران است

این را بدانید. دستگاههای فکری دشمنان - به قول خودشان، اتاقهای فکر - نشسته‌اند رصد میکنند مقدمات این انتخابات را، این حادثه‌ی بزرگ را؛ دارند نگاه میکنند؛ نقشه هم دارند، هدف هم دارند. هدف جبهه‌ی دشمنان شما، نقطه‌ی مقابل

هدف شما است. شما که در انتخابات شرکت میکنید، دنبال یک فرد اصلی میگردید که بتواند کشورتان را با همین سرعت، بلکه بیش از این، پیش ببرد؛ هم در عرصه‌ی مادی، هم در عرصه‌ی معنوی. شما دنبال انتخاباتید، برای اینکه کسی یا کسانی، دولتی، رئیس جمهوری بتواند عزت شما را بالا ببرد، استقلال شما را عمیق‌تر کند، وضع زندگی شما را بهتر و مرفه‌تر کند، گره‌ها را باز کند، امید و شور و شوقی در کشور به وجود آورد؛ اما دشمن شما درست بعکس، مایل است انتخاباتی انجام بگیرد - حالا که بنا است انجام بگیرد؛ البته اگر میتوانند کاری کنند که انتخابات انجام نگیرد، آن کار را می‌کنند؛ اما حالا که بالاخره چاره‌ای ندارند و انتخابات انجام خواهد گرفت - که برای آینده‌ی کشور این محسّنات را نداشته باشد؛ بلکه کشور را به سمت وابستگی، به سمت ضعف، به سمت عقب‌ماندگی در صحنه‌های گوناگون حرکت دهد؛ کشور را به عقب بکشاند، به عقب براند؛ آنها هدفشان این است. پس دو تا هدف در مقابل هم قرار دارد: هدف ملت ایران، هدف جبهه‌ی دشمنان.

هدف ملت ایران چگونه تأمین خواهد شد؟ با دو عامل، این هدف تأمین میشود: یک عامل این است که انتخابات، انتخابات گرم و پرشوری باشد؛ افراد زیاد شرکت کنند، مردم با شور و شوق شرکت کنند، بیایند پای صندوقها. دوم اینکه این انتخابات منتهی شود به انتخاب یک انسان شایسته‌ی وارسته‌ی باعزم مؤمن انقلابی با همت جهادی. با این دو چیز، مقصود ملت ایران حاصل میشود.

مقصود دشمن چگونه حاصل میشود؟ مقصود دشمن با این حاصل میشود که انتخابات اولاً سرد برگزار شود؛ مردم بیرغبت باشند، عده‌ی کمی شرکت کنند، یک

عده‌ای بگویند: آقا چرا شرکت کنیم؟ فایده‌اش چیست؟ ما نمیخواهیم بیائیم. اینها دشمن را خوشحال میکند. ثانیاً نتیجه‌ای که از صندوقها بیرون می‌آید، نتیجه‌ای باشد که دولت را، به تبع دولت، ملت را به سمت وابستگی بیشتر، به سمت تبعیت بیشتر، به سمت قرار گرفتن در سیاستهای دشمنان قرار دهد؛ دشمن این را میخواهد. پس ببینید، صحنه روشن است؛ معلوم است شما چه میخواهید، معلوم است دشمن چه میخواهد. حالا آن مطلب دوم که چگونه اصلح را پیدا کنیم و مشخصات یک انسانی که اصلح از دیگران است، چیست، نکاتی در این زمینه وجود دارد که ان شاء الله اگر بنده عمری داشتم، در آینده تا قبل از روز انتخابات عرض خواهم کرد.

آنچه که امروز میخواهم عرض کنم، این است که آن نکته‌ی اول - یعنی شور و هیجان انتخابات، حرکت عمومی به سمت انتخابات - اولین کار بزرگی است که ملت میتواند انجام دهد؛ دشمن میخواهد این اتفاق نیفتد. برای اینکه مردم را از شور و حال و حرکت و هیجان بیندازند، چه کار میکنند؟ سعی میکنند مردم را از حضور در انتخابات ناامید کنند: آقا چه فایده دارد؟ حالا برویم رأی بدهیم که چه بشود؟ میخواهند این حالت را به مردم القاء کنند. برای همین است که شما اگر امروز به رادیوهای بیگانه و خبرگزاریهای صهیونیستی مراجعه کنید - که امروز همه‌ی خبرهای دنیا را در واقع یک شبکه‌ی بزرگ صهیونیستی جهت میدهد، به قول خودشان کانالیزه میکند؛ خبرهای باب میل خودشان را منتشر میکنند - ببینید سعی شان این است که وضع کشور را بحرانی نشان دهند. خب، مشکلات در کشور هست؛ در کدام کشور نیست؟ گرانی هست، مشکل بیکاری هست؛ کجای دنیا امروز

نیست؟ امروز خود آن کشورهای اروپائی که صحنه‌گردان تبلیغات علیه جمهوری اسلامی اند، تا خرخره در مشکلات فرو رفته‌اند. هر چند روز یک بار، در یکی از این کشورها یا در چند کشور، مردم می‌آیند در عرصه، از روی ناچاری و ناگزیری داد میکشند و مورد تهاجم نیروهای امنیتی‌شان قرار میگیرند. البته اینها را تا بتوانند، پنهان میکنند.

دشمنان در تبلیغاتشان سعی میکنند سایه‌ی یأس و ناامیدی و بحران را بیندازند بر روی حوادث کشور، مشکلات کوچک را چند برابر بزرگ کنند؛ مشکلاتی که وجود ندارد، بیخود ملت را، کشور را متهم به آن کنند؛ آینده را تاریک نشان دهند، ملت را ناامید کنند؛ هدف دشمن این است. این ناامیدی از نظر آنها مقدمه‌ای است برای از رونق انداختن انتخابات. شما باید بعکس عمل کنید. عزیزان! جوانان! مسئولان! مبلغان! کسانی که عرصه‌ی سخن گفتن با مردم در مقابل شما است! شما باید بعکس عمل کنید؛ به مردم امید دهید. این امید، امید واهی نیست؛ امید واقعی است. مردم باید همه توجه کنند، بدانند که حضور پرشور و پر رونق در انتخابات موجب میشود کشور مصونیت پیدا کند؛ موجب میشود که طمع دشمن برای دست‌اندازی و تعرض و دشمنی و خباثت نسبت به این کشور کم شود؛ حضور مردم این تأثیرات را دارد. آنها تلاش دارند که این اتفاق نیفتد (۲۵ اردیبهشت ۹۲).

ملت ایران مردمسالاری را از انقلاب یاد گرفت

کسانی که امروز با لحن‌های دور از شأن یک انسان مستقل و آزاد، به تبع میل دل رسانه‌های غربی، این‌طور وانمود میکنند که ملت ما دارد دمکراسی را یاد میگیرد، حقیقتاً به این ملت ظلم میکنند. ملت بزرگی که بارها و بارها در طول

سالهای بعد از انقلاب، آحاد آن، با انگیزه و ایمان و شور و شوق، پای صندوق‌های رأی رفته‌اند و بدون این‌که از کسی خجالت بکشند، از کسی بترسند و به کسی طمع بورزند، رأی و عقیده‌ی خود را روی کاغذ نوشته‌اند و در صندوق انداخته‌اند، حالا ما به آنها بگوییم شما دارید یواش یواش به مردم‌سالاری نزدیک میشوید! این همان حرفی است که رسانه‌های امریکایی و صهیونیستی و دشمنان ملت ایران، برای تحقیر این ملت شریف، دارند آن را بزرگ و بزرگ و تکرار میکنند (۲۵ خرداد ۸۴).

اگر بناست شما با همان احساساتی که رژیم صهیونیستی نسبت به جمهوری اسلامی دارد - ولو با یک ادبیات دیگری - بخواهی در مقابل جمهوری اسلامی بایستی و حرف بزنی، خب با رژیم صهیونیستی چه فرقی داری؟ اگر با همان منطقی که آمریکا در مقابل جمهوری اسلامی عمل میکند، شما بخواهی با آن منطق با جمهوری اسلامی تعامل کنی، خب شما با آمریکا فرقی نداری. این مسئله جداست. اما یک وقت هست که نه، اینجوری نیست. ممکن است اختلافات، اختلافات عمیقی هم باشد، اختلافات بزرگی هم باشد، اما انسان دشمن را با غیردشمن نباید اشتباه کند؛ دشمن حساب دیگری دارد، غیردشمن حساب دیگری دارد. خط درگیری با دشمن را باید ترسیم کرد، مشخص کرد؛ این بصیرت می‌خواهد. بصیرتی که ما عرض میکنیم، این است.

یک عده‌ای از آن طرف می‌افتند، یک عده‌ای از این طرف می‌افتند. یک عده‌ای با دشمن هم معامله‌ی دوست میکنند، فریاد دشمن را هم نمیشناسند، چون از حنجره‌ی دیگری در می‌آید؛ یک عده هم از این طرف، هرکسی که اندک اختلاف سلیقه

ای با آنها دارد، به حساب دشمن میگذارند! بصیرت، آن خط وسط است؛ آن خط درست است (۲۴مهر ۹۱).

چرا باید کسانی که از دل این ملت برخاسته‌اند و شاهد حضور این مردم و همچنین میدان گسترده‌ی آزادی انتخاب در دوران جمهوری اسلامی بوده‌اند، این حرف ظالمانه و غیرمنصفانه را تکرار کنند؟ نه، ملت ایران در حال آموزش مردم‌سالاری نیست؛ ملت ایران این را از انقلاب یاد گرفت. ما آحاد ملت، از اول تاریخ خود تا دوران انقلاب، در هیچ برهه‌ای این طور آزادانه نمیتوانستیم مسئولان بلندپایه‌ی کشور را خودمان انتخاب کنیم؛ کی چنین چیزی برای این ملت میسر بود؟ امروز هم در بسیاری از نقاط دنیا هنوز میسر نیست. حتی در کشورهایی هم که اسم دموکراسی دارند و پرچم دموکراسی را در دست گرفته‌اند، آدمهای تیزبین میبینند و میدانند که دموکراسی به معنای مردمی شفاف همگانی که در ایران وجود دارد، در آن جاها نیست. جاهایی که انتخابات حزبی برگزار میشود، مردمی که به کاندیدای حزب رأی میدهند، آن نامزد را نمیشناسند؛ گاهی اسم او جز از طریق تبلیغات دوران انتخابات به گوششان نرسیده است؛ حزب گفته به این رأی دهید، آنها رأی میدهند. در ایران این طور نیست. در ایران مردم با شناخت، با معرفت، به قدری که میتوانند و بدون این که کسی بالای سر آنها باشد و بگوید به این رأی بده، به این رأی نده، نامزد مورد نظر خود را انتخاب میکنند. حتی حزبی بالای سرشان نیست که بگوید باید به این شخص رأی دهید؛ تا آدمی که جزو حزب است، مجبور باشد به همان کسی که چند نفر در رأس حزب نشسته‌اند و انتخاب کرده‌اند، رأی دهد.

میخواهند احساسات عمومی و مردمی را تحقیر کنند و آن را عوامگرایی معنا کنند. آنها دلشان میخواهد احزاب در کشور ما همان نقشی را ایفا کنند که در امریکا و در برخی از کشورهای اروپایی ایفا میکنند؛ یعنی چند نفر آدم در رأس حزب بنشینند و با بده بستان‌های سیاسی و اقتصادی و با پول و یا بند و بست درباره‌ی فلان پروژه‌ی پول‌ساز نفتی و غیرنفتی، یک نفر یا چند نفر را انتخاب کنند، بعد به پیروان و طرفداران خود بگویند به این شخص رأی دهید؛ مردم هم چشم‌بسته و گوش‌بسته به او رأی دهند. در ایران هم بعضی دلشان میخواهد این طوری بشود؛ اما این جا این گونه نیست. در کشور ما بحمدالله تا کنون نتوانسته‌اند؛ امیدواریم باز هم نتوانند.

این جا هیچ‌کس - نه رهبری، نه دولت، نه متنفذین حزبی - به مردم ما امر و نهی نمی‌کند؛ مردم به قدر سعه‌ی اطلاعات خودشان تحقیق و مطالعه و مشورت میکنند و فرد مورد نظرشان را برمیگزینند. ممکن است آنچه آخر سر به نظرشان میرسد، درست هم نباشد - اشتباه باشد - اما خودشان هستند که تصمیم میگیرند؛ و اگر این کار را برای خدا و حاکمیت ارزشهای الهی بکنند، اجر وافرایی هم پیش خدای متعال دارند؛ این خیلی اهمیت دارد. انسان برود هم رئیس‌جمهور، نماینده‌ی مجلس، نماینده‌ی مجلس خبرگان و عضو شورای شهر را انتخاب کند - یعنی کسی را که خودش می‌پسندد، یک قدم برای سرکار آمدن او بردارد - و هم پیش خدای متعال ثواب ببرد؛ این یک درآمد دو جانبه است. امروز بحمدالله در کشور ما این گونه است (۲۵ خرداد ۸۴).

کسانی که با نظام جمهوری اسلامی و با هویت اسلامی ملت ایران بشدت مخالفند و آن را بر خلاف منافع خودشان میدانند، به خاطر پشتیبانی مردم از نظام جمهوری اسلامی، درمانده‌اند؛ و آلاً قدرتهای مادی دنیا بمب اتم و توپ و تانک و اراده‌های خبیث و خدانشناسی و بیرحمی و سنگدلی کم ندارند... حضور مردم، یعنی دفاع از جمهوری اسلامی؛ یعنی دفاع از قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی. این برای دشمنان ملت ایران مطلوب نیست؛ لذا سعی میکنند حضور مردم را کم‌رنگ کنند.

از دو سه ماه قبل تا امروز، همه‌ی تبلیغات جهانی و استکباری جهت گرفته است برای این‌که با شیوه‌های تبلیغاتی گوناگون حضور مردم را کم‌رنگ کنند؛ آنها دلشان میخواهد مردم پای صندوق‌های رأی نیایند. البته ناراحت و دستپاچه‌اند؛ چون گمانه‌زنیهای آنها نشان میدهد که اکثریت مردم پای صندوق‌های رأی خواهند آمد؛ این را فهمیده‌اند. ملت ایران برای صیانت کشور خود، برای حفظ منافع خود، برای تزریق خون تازه در رگهای نظام استوار خود، باید در پای صندوق‌های رأی حاضر شود و علیه این اراده‌ی خبیثانه‌ی استکباری اقدام کند (۲۵ خرداد ۸۴).

مسئولان از توطئه‌ی دشمن در کار انتخابات غافل نشوند. آن کسانی هم که در انتخابات رأی نمی‌آورند، مواظب باشند آن کلاهی که بر سر رأی‌نیاوردگان سال ۸۸ رفت، بر سر آنها نرود؛ فریب نخورند. همه‌ی نامزدهای انتخابات و همه‌ی هواداران، خودشان را در مقابل توطئه‌ی احتمالی دشمن مسئول امنیت بدانند. انتخابات را متهم نکنند؛ کسی آب به آسیاب دشمن نریزد؛ در تبلیغات، اثناء فضای اختلاف و ناامیدی نشود، تا ان‌شاء‌الله انتخابات خوبی داشته باشیم (۱۴ بهمن ۹۰).

امروز تبلیغات دشمنان سوگندخورده‌ی این ملت متوجه این است که این انتخابات را کمرنگ و بی رونق کند. معنای کار آنها چیست؟ از انتخابات شما ضرر میبینند. انتخابات شما جمهوری اسلامی را در دنیای اسلام و در افکار عمومی عالم به درستی معنی میکند؛ آنها از این ناراحتند؛ لذا با انتخابات مخالفند. اگر به تبلیغات دشمنان نگاه کنید، میبینید همه بر ضد انتخابات است. گاهی به طور صوری ممکن است از یک نامزد انتخابات حمایت کنند - با تفسیری که خودشان دارند - اما حقیقت این است که از اصل انتخابات ناراحتند و نمیخواهند انتخابات پُرشوری در این کشور اتفاق بیفتد. البته من امیدوارم و به خدای متعال توکل و اعتماد دارم و میدانم که ملت عزیز ما در این آزمایش هم در مقابل دشمن، سربلند بیرون خواهد آمد (۱۴ خرداد ۸۴).

انتخابات در ذات خود برای جوانها، برای مرد و زن و برای قشرهای مختلف، یک حادثه‌ی شیرین است؛ چون میدان حضور است و احساس میکنند که میتوانند رأی و اراده‌ی خودشان را به نحوی اعمال کنند. نباید بگذارند این حادثه‌ی شیرین تلخ شود. دشمنان ملت ایران سعی میکنند این حادثه‌ی شیرین را تلخ کنند. دیدید که در چند روز گذشته چندجا حرکات مذبحانه‌ای کردند و دست به انفجاراتی زدند؛ این برای این است که فضای انتخابات تلخ شود. ما همیشه افتخار کرده‌ایم که انتخابات ایران در دوران انقلاب، در نهایت امنیت و سلامت برگزار شده است. در خیلی جاهای دنیا، روز انتخابات، مردم به جان هم میافتند؛ دعوا میکنند؛ خونریزی میشود؛ آدمکشی میشود. افتخار ما این بوده است که در امنیت و آرامش کامل، دو نفر رفیق پای صندوق رأی میروند؛ یکی به این آقا رأی میدهد، یکی به آن آقا رأی

میدهد. دشمن میخواهد این محیط امن و امان از بین برود. خود افراد، خود آحاد مردم، خود دست اندرکاران ستادهای انتخاباتی نامزدها، به دشمن با قاطعیت «نه» بگویند؛ نگذارند از طریق آنها انتخابات تلخ شود (۲۵ خرداد ۸۴).

دوقطبی های دروغین!

یکی از این ترفندهایی که اخیراً یاد گرفته‌اند و دارند اعمال میکنند، ایجاد دوقطبی‌های کاذب است؛ دوقطبی‌های دروغین. این نکته، نکته‌ی مهمی است؛ من یک قدری درباره‌ی این بیشتر صحبت کنم با شما برادران و خواهران عزیز: دوقطبی دروغین.

خب، انتخابات مسابقه است؛ معلوم است در مسابقه همه تلاش میکنند برنده بشوند، همه تلاش میکنند جلو بیفتند؛ طبیعت مسابقه، شور و نشاط و دوندگی و مانند اینها است؛ انتخابات مسابقه است؛ یکی جلو می‌افتد، یکی عقب میماند؛ این دشمنی نیست، این عناد نیست، این دوقطبی شدن نیست. مرتباً در رادیوها و در تلویزیونها و در رسانه‌های گوناگونشان خبر از دوقطبی شدن ملت ایران - یعنی دودستگی‌ای که با همدیگر دشمنند و علیه هم تلاش میکنند - میدهند. بله، در ایران اسلامی یک دوقطبی‌ای وجود دارد؛ دوقطبی انقلاب و استکبار. آن کسانی که تفاله‌های بازمانده‌ی از دوران غلبه‌ی استکبارند و هرکسی که دنبال آنها است، همفکر آنها است، بله، اینها با انقلاب بدند؛ این دوقطبی هست اما قاطبه‌ی ملت ایران، قاطبه‌ی انقلابی، علاقه‌مند به نظام اسلامی، عاشق امام و خاطرات امام - آنهایی که امام را حتی یک لحظه هم ندیدند و بعد از رحلت امام به دنیا آمدند - و فرمایشات امام، صدای امام، توصیه‌های امام و اصولی که امام پایه‌گذاری کرده [هستند]؛ قاطبه‌ی

ملت ایران به اینها علاقه‌مندند؛ بله، [بین] آن کسانی که به امام علاقه‌مندند، به انقلاب علاقه‌مندند، با کسانی که اصل انقلاب را قبول ندارند، اصل نظام را قبول ندارند، البته یک دوقطبی این‌جوری هست. من البته به آنهایی که حتی نظام را هم قبول ندارند، گفتم ایران را که قبول دارید؛ [پس] برای عزت ایران بیاید؛ حالا بعضی گوش میکنند و بعضی هم گوش نمیکنند.

الان در این انتخابات، دو قطبی القا میکنند؛ دوقطبی‌های القائی؛ اصلش آنجا است، اینجا هم گاهی تکرار میشود؛ اما کسانی که اطلاع دارند از تبلیغات بیگانه، گوش میکنند، خبر میشوند، میدانند که این مال آنها است (۵ اسفند ۹۴).

جناح‌بندی‌های سیاسی اشکالی ندارد، اما نباید جامعه را به دو قطب تبدیل کرد، زیرا این کار موجب دل‌زدگی و خستگی مردم و شکننده‌شدن محیط جامعه می‌شود (۵ شهریور ۹۳).

یکی از هدفهای دائمی جبهه‌ی دشمن - که در رأسش هم آمریکا است - از اوّل انقلاب تا امروز این بوده است که یک دوقطبی خطرناک بین مردم و نظام به‌وجود بیاورد؛ درست عکس آن چیزی که جمهوری اسلامی بر اساس آن بنا شده است؛ یعنی آمیختگی کامل نظام با مردم. آنها خواسته‌اند این شکاف را به‌وجود بیاورند؛ البته موفق نشده‌اند. انتخابات از جمله‌ی مواردی است که دشمن را در این عرصه مأیوس میکند؛ یعنی نشان‌دهنده‌ی ارتباط مستحکم نظام با مردم است و این دوقطبی مورد علاقه‌ی دشمن را بکلی از بین میبرد. به این اعتبار، انتخابات مصداق «ان تَنْصُرُوا اللَّهَ» است (۱۹ بهمن ۹۴).

انتخابات پرشور، مشیت محکم ملت ایران

البته من به شما عرض بکنم؛ آنطوری که ما ملت خودمان را تجربه کرده‌ایم، آنطوری که لطف و فضل الهی را مکرر آزموده‌ایم، این ملت در این نوبت هم مثل نوبتهای قبل، مشیت محکمی به دهان دشمن خواهد زد. مردم به توفیق الهی در این انتخابات یک آزمون افتخارآمیز دیگری را به صحنه خواهند آورد و بر افتخارات خودشان خواهند افزود. این، لطف الهی است؛ ان‌شاءالله تحقق پیدا خواهد کرد (۲۵ اردیبهشت ۹۲).

بنده مثل همیشه متضرعانه از خداوند متعال مسألت می‌کنم که این ملت را به حرکتی که خیر و صلاح او در آن هست، هدایت کند؛ او را دستگیری کند و آن چیزی که برای این کشور و این ملت مایه‌ی عزت، صیانت و رفع مشکلات است، پیش بیاورد. بنده مثل همیشه به فضل و کرم الهی هم بسیار امیدوارم. خدا را شکر که یک لحظه اطمینان به لطف و فضل الهی از ما سلب نشده است (۲۵ خرداد ۸۴).

مطمئن باشید و بنده مطمئنم که خدای متعال تفضلات خود را به برکت مجاهدت و ایمان شما مردم، از شما باز نخواهد گرفت و خدای متعال لطف خودش و کمک خودش و هدایت و حمایت خودش را شامل حال این مردم کرده است و باز هم خواهد کرد و پیروزی نهائی، بالاخره متعلق به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است (۱۹ دی ۸۶).

اصول امام خمینی (ره) نقشه راه ملت در انتخاب مسئولان

ما نقشه‌ی راه داریم. نقشه‌ی راه ما چیست؟ نقشه‌ی راه ما همان اصول امام بزرگوار ما است؛ آن اصولی که با تکیه‌ی بر آن توانست آن ملت عقب‌افتاده‌ی سرافکنده را تبدیل کند به این ملت پیشرو و سرافراز. این اصول، اصولی است که در ادامه‌ی راه هم به درد ما می‌خورد و نقشه‌ی راه ما را تشکیل می‌دهد. اصول امام، اصول روشنی است. خوشبختانه بیانات امام، نوشته‌جات امام در بیست و چند جلد در اختیار مردم است؛ خلاصه‌ی آنها در وصیتنامه‌ی جاودانه‌ی امام منعکس است؛ همه می‌توانند مراجعه کنند. ما مفید نمیدانیم که به اسم امام تمسک کنیم، اما اصول امام را به فراموشی بسپاریم؛ این غلط است. اسم امام و یاد امام به تنهایی کافی نیست؛ امام با اصولش، با مبانی‌اش، با نقشه‌ی راهش برای ملت ایران یک موجود جاودانه است. نقشه‌ی راه در اختیار امام است و آن را به ما عرضه کرده است؛ اصول امام مشخص است.

در سیاست داخلی، اصول امام عبارت است از تکیه به رأی مردم؛ تأمین اتحاد و یکپارچگی ملت؛ مردمی بودن و غیر اشرافی بودن حکمرانان و زمامداران؛ دلبسته بودن مسئولان به مصالح ملت؛ کار و تلاش همگانی برای پیشرفت کشور. در سیاست خارجی، اصول امام عبارت است از ایستادگی در مقابل سیاستهای مداخله‌گر و سلطه‌طلب؛ برادری با ملت‌های مسلمان؛ ارتباط برابر با همه‌ی کشورها، بجز کشورهایی که تیغ را بر روی ملت ایران کشیده‌اند و دشمنی میکنند؛ مبارزه‌ی با صهیونیسم؛ مبارزه برای آزادی کشور فلسطین؛ کمک به مظلومین عالم و ایستادگی در برابر ظالمان. وصیتنامه‌ی امام جلوی چشم ما است. نوشته‌های امام،

فرمایشات امام، در کتابهایی که متن کلمات آن بزرگوار را درج کرده‌اند، موجود است.

در عرصه‌ی فرهنگ، اصول امام عبارت است از نفی فرهنگ اباحه‌گری غربی؛ نفی جمود و تحجر و نفی ریاکاری در تمسک به دین؛ دفاع قاطع از اخلاق و احکام اسلام؛ مبارزه با ترویج فحشا و فساد در جامعه.

در اقتصاد، اصول امام تکیه‌ی به اقتصاد ملی است؛ تکیه‌ی به خودکفائی است؛ عدالت اقتصادی در تولید و توزیع است؛ دفاع از طبقات محروم است؛ مقابله‌ی با فرهنگ سرمایه‌داری و احترام به مالکیت است - اینها در کنار هم - امام فرهنگ ظالمانه‌ی سرمایه‌داری را رد میکند، اما احترام به مالکیت، احترام به سرمایه، احترام به کار را مورد تأکید قرار میدهد؛ همچنین هضم نشدن در اقتصاد جهانی؛ استقلال در اقتصاد ملی؛ اینها اصول امام در زمینه‌ی اقتصاد است؛ اینها چیزهایی است که در فرمایشات امام واضح است.

توقع امام از مسئولین کشور همیشه این بود که با اقتدار، با مدیریت، با اداره‌ی عاقلانه و مدیرانه بتوانند این اصول را اجرائی کنند و پیش ببرند. این، نقشه‌ی راه امام بزرگوار است. ملت ایران با همتش، با جوانانش، با این نقشه‌ی راه، با ایمانی که در دل او راسخ است، با یاد امامش، میتواند فاصله‌ی کنونی را با آن وضع مطلوب پر کند. ملت ایران میتواند پیش برود. ملت ایران با توانائی‌هایی که دارد، با استعدادهایی که دارد، با انسانهای برجسته‌ای که بحمدالله در میان کشور حضور دارند، میتواند راه طی‌شده‌ای را که تجربه‌ی سی و چند ساله‌ی انقلاب است، با

قدرت بیشتر و با همت جازمتر ادامه دهد و ان شاء الله به صورت الگوی حقیقی و واقعی برای ملت‌های مسلمان در بیاید (۱۴ خرداد ۹۲).

شاخص های دولت اسلامی

یک مروری بکنیم به شاخصهای دولتی که در این روزگار دولت مطلوب محسوب میشود. البته ما ادعا نداریم که دولت ما یک دولت اسلامی به معنای حقیقی و کامل کلمه است. بنده به خودم نگاه میکنم، نقصها و ضعفهای بیشماری در خودم مشاهده میکنم، این را که مقایسه میکنم با کوچک‌ابدهای مقامات عالی مقدس و مطهری که در صدر اول اسلام را به ما هدیه کردند، میبینم ما خیلی کوچکتر از این هستیم که بتوانیم آن دولت مطلوب را تشکیل بدهیم یا حتی طاقت بیاوریم؛ ولی به حسب آنچه که در روزگار ما و با شرائط ما میتوان دولت اسلامی نامید، یک شاخصهایی وجود دارد که من به بعضی از آن شاخصها اشاره میکنم. البته حرفهای تازه‌ای نیست، اینها را خود شماها میدانید؛ منتها یادآوری آنچه را که میدانیم همیشه برای ما مفید است و ضرری ندارد که اینها را دوباره یک مروری بکنیم. اولین شاخص، شاخص اعتقادی و اخلاقی است - بخصوص در مسئولان رده‌های بالا- سلامت اعتقادی، سلامت اخلاقی، سلامت عملکردی که از اعتقاد درست و نگاه درست به حقایق جامعه ناشی میشود. این شاخص اول است. ما خوشبختانه برای اعتقاد درست و برای آنچه که باید آن را حق دانست، دچار ابهام و سردرگمی نیستیم؛ علاوه بر منابع اسلامی - که حالا ممکن است از منابع اسلامی، افراد گوناگونی تلقی‌های مختلفی داشته باشند - ما مجموعه‌ی رهنمودهای امام بزرگوار را داریم؛ امام، مورد اعتقاد و قبول و اذعان همه‌ی ما است. خب، مجموعه‌ی بیانات امام، مجموعه‌ی موضع‌گیریهای امام، مجموعه‌ی رهنمودهای امام در اختیار ما است. این شد آن شاخص؛ به این باید اعتقاد داشته باشیم؛ بر طبق این باید عمل

بکنیم؛ در موارد اشتباه، به این شاخص اصلی مراجعه بکنیم؛ این میشود سلامت اعتقادی. اصول و ارزشهای انقلاب هم همینها است، مبانی ارزشی انقلاب هم در همین بیانات وجود دارد. اینها چیزهایی است که اگر به آنها پایبند باشیم و دلبسته‌ی به آنها باشیم و برنامه را بر اساس این دلبستگیها انجام بدهیم، به نظر میرسد که کار موفق و خوش آینده خواهد بود و پیش خواهیم رفت.

یکی از چیزهایی که من بر روی آن تکیه میکنم در این زمینه‌ی اعتقاد و نگاه قلبی و گرایش قلبی، مسئله‌ی اعتماد به خدای متعال است، اعتماد به وعده‌های الهی است؛ این از جمله‌ی مطالبی است که بنده اصرار دارم ما روی این کوتاهی نکنیم. وقتی خدای متعال صریحاً به ما وعده میدهد که "إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ" و "لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ" وقتی اینجور خدای متعال با صراحت، با تأکید به ما وعده میدهد که اگر شما از دین او حمایت کردید، از راه خدا پیروی کردید و آن را نصرت کردید، خدا شما را نصرت خواهد داد، ما باید به این وعده اعتماد داشته باشیم، باید همین جور عمل بکنیم. حالا این برای کسی که تجربه نکرده، ممکن است از ذهن دور باشد و مورد استبعاد باشد، اما من و شما که تجربه کردیم، ما که دیدیم چطور یک امر نشدنی شد؛ نشدنی تر از این وجود نداشت که انسان خیال کند با دست خالی، با حضور در خیابانها میشود یک رژیم مستبد مستکبر متکی به همه‌ی قدرتهای جهانی را سرنگون کرد و به جای او یک نظام اسلامی آورد؛ آن هم نه یک نظامی منطبق بر معیارها و استانداردهای غربی؛ نظامی اسلامی، نظام فقهتی. چه کسی باور میکرد چنین چیزی عملی بشود؟ اما شد؛ همین چیز نشدنی اتفاق افتاد.

شاخص دوّم، مسئله‌ی خدمت به خلق است؛ روحیه‌ی خدمت، که این گفتمان اصلی دولت اسلامی همین خدمت است؛ اصلاً فلسفه‌ی وجود ما جز این نیست؛ ما آمده‌ایم خدمت کنیم به مردم و هیچ چیز نباید ما را از این وظیفه غافل کند. البته ما هر کدامان دلبستگی‌هایی داریم، سلیقه‌هایی داریم؛ در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌ی مسائل اجتماعی، دوستی‌هایی داریم، دشمنی‌هایی داریم، اینها همه حاشیه است؛ متن عبارت است از خدمت؛ نباید بگذاریم این حواشی بر روی این متن اثر بگذارد. و یک نکته‌ای که در این زمینه‌ی خدمت هست، این است که وقت محدود است: چهار سال یا به نگاهی هشت سال؛ وقت محدود است، مثل برق هم میگذرد. من در همین اتاق یا آن اتاق با بعضی از دولتهای قبلی که بعضی از شماها هم در آنها بودید، همین را مکرراً تکرار کردم: روز اوّل دولت به فکر این باشید که این مثل برق میگذرد. وقتی انسان به چهار سال پشت سرش نگاه میکند، میبیند کانه مثل یک روز گذشت. منتها در داخل همین وقت محدود، فرصتها نامحدود است؛ یعنی هر ساعتِ شما یک فرصت برای شما است. هر حادثه‌ای که پیش می‌آید یک فرصت برای شما است. هر فکری که به ذهن شما میرسد، ابتکاری که به ذهنتان می‌آید، یک فرصت برای شما است. این فرصتها را از دست ندهید.

دوّم اینکه در زمینه‌ی خدمت، کار را باید جهادی کرد؛ جهادی به معنای بی‌قانونی نیست. دوستانی که ما سالها با خیلی از شماها کار کردیم - با بسیاری از شما برادرها در زمینه‌های مختلف همکاری داشتیم - میدانید روحیه‌ی من را، من آدم دعوت‌کننده‌ی به بی‌قانونی نیستم؛ بشدّت ضدّ این بی‌قانونی هستم، اما معتقدم در همان چهارچوب قانون، دو جور میشود کار کرد: یک کار کار مرسوم اداری، یک

کار کار جهادی. کار جهادی یعنی از موانع عبور کردن، موانع کوچک را بزرگ ندیدن، آرمانها را فراموش نکردن، جهت را فراموش نکردن، شوق به کار؛ این کار جهادی است. کار را باید جهادی انجام داد تا ان شاء الله خدمت بخوبی انجام بگیرد. شاخص سوّم، مسئله‌ی عدالت است. بنده بارها عرض کرده‌ام - در جلسات خصوصی با بعضی از شماها در طول این سالها - معتقد نیستم به پیشرفت بدون عدالت. ما این دهه را اسم گذاشتیم به "دهه‌ی پیشرفت و عدالت". پیشرفت بدون عدالت همان نتیجه‌ای را خواهد داد که شما از تمدّن پرجلوه‌ی غرب، امروز دارید مشاهده میکنید. ثروت و قدرت و علم و فناوری، بیشتر از آن چیزی که اینها دارند برای این دوره تصوّر نمیشده؛ اینها حدّاکثر را دارند، امّا در عین حال شما ملاحظه کنید آنجا عدالت وجود ندارد. حالا در زمینه‌ی عدالت قضایی، در تبلیغات سینمایی و داستانی و مانند اینها، حرف زیاد میزنند - که غالباً، یعنی صدی هشتاد، دروغ است؛ اطلاعاتی که انسان در زمینه‌های قضایی دارد هم [نتیجه میدهد که] این خبرها نیست در غرب - امّا در زمینه‌ی اقتصادی که کاملاً واضح است. کسانی هستند که از گرسنگی میمیرند، کسانی هستند که در سرمای فرض کنید که ده درجه زیر صفر در فلان کشور میمیرند، یا از گرمای چهل درجه میمیرند! چرا انسان در گرمای چهل درجه به هلاکت بیفتد و بمیرد؟ جز این است که سر پناه ندارد، خانه ندارد، در گوشه‌ی خیابان است، [در] گرمای چهل درجه، آب هم به او نمیرسد، از بین میرود؟ اینها وجود دارد؛ و [از طرفی] ثروتهای انبوه افسانه‌ای هم امروز در غرب وجود دارد. این بی عدالتی است، ما این را نمیخواهیم، اسلام این را از ما نخواست. ما پیشرفت را لازم داریم، پیشرفت به همان معنایی که امروز در ادبیات

غربی به عنوان توسعه یاد میشود، ما اسمش را میگذاریم پیشرفت؛ این پیشرفت، قطعاً بایستی همراه با عدالت باشد. خب، در قرآن هم شما ملاحظه میکنید؛ همه‌ی ارسالِ رُسل و انزال کتب و مانند اینها "لِيُقِيمَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ" است؛ برای این است که جامعه با قسط زندگی بکند. بنابراین، این هم شاخص بعدی است که این را دائماً باید در نظر داشت.

شاخص بعدی که شاخص چهارم است، سلامت اقتصادی و مبارزه‌ی با فساد است. ببینید منصب حکومتی، جایگاه قدرت و منابع مالی است؛ وسوسه‌ها در اینجا انسان را راحت نمیگذارد. حالا شما به خودتان نگاه نکنید که متدینید و سطح بالا هستید و مقاومت میکنید در مقابل این وسوسه‌ها؛ در درجات پائین ممکن است در مقابل این وسوسه‌ها نتوانند مقاومت بکنند. شما باید مراقب باشید، شما باید چشم بصیرِ بینای خودتان را بر سرتاسر این دستگاهی که زیر اشراف شما است و تحت مدیریت شما است، آنچنان بگسترانید که نگذارید در یک گوشه‌ای ناسلامتی اقتصادی به وجود بیاید و این وسوسه‌ها کارگر بشود. حتی قبل از آنکه دستگاههای نظارتی وارد بشوند؛ ... خود مدیر دستگاه مراقب سلامت [آن] باشد و این احتیاج دارد به نگاه دائم؛ غفلت نباید کرد. بنده گاهی برای این دوستان و مدیرانی که با اینها مینشینیم صحبت میکنیم، مثال میزنم، میگویم مثل این نورافکن‌هایی که ملاحظه کرده‌اید در بعضی از قلعه‌ها و مانند اینها یک نورافکنی دائم دارد همین‌طور دور میزند، این نورافکن نگاه شما باید دائم دور بزند؛ یعنی هیچ خلاً [برای] نفوذ وجود نداشته باشد؛ دائم باید نگاه کنیم، مراقبت بکنیم. واقعاً فساد مثل موریانه است؛ نگذارید که فساد و رشوه و پارتی بازی و اسراف و تجمل و خرجهای زیادی و

مانند اینها، در دستگاهتان نفوذ بکنند... گاهی اوقات یک خرجهای زیاد، بیخود، بیجا - حالا آنجایی که غیر حرام است، اما زائد است؛ شاید زائد هم به یک معنا حرام باشد، اما بالاخره با آن صراحت حرام نیست، اما خرج زائدی است - جلویش باید گرفته بشود. و میتوان؛ از این طریق میتوان کارهای بزرگ و زیادی کرد. واقعاً در دستگاههای اجرایی، اکثریت کارکنان، کارکنان زحمتکش و پاک و سالمند؛ [اما] وقتی که یک مورد، دو مورد، ده مورد انسانهای ناپاک و ناسالم در یک دستگاهی حضور پیدا میکنند، مثل میکروب، مثل موریانه آنجا فعالیت میکنند، زحمات این مجموعهی خدمتگار و زحمتکش واقعاً ضایع میشود، و هم بدنام میشوند، هم زحماتشان از بین میرود؛ [فساد] محیط اطمینان را از بین می‌برد.

شاخص بعدی، مسئلهی قانون‌گرایی است. خب قانون‌گرایی خیلی مهم است. قانون ریل است؛ از این ریل اگر چنانچه خارج شدیم، حتماً آسیب و صدمه است. گاهی قانون ناقص است، گاهی قانون معیوب است؛ اما همان قانون معیوب هم اگر چنانچه عمل نشود - که منتهی به بلبشو و هر که هر که خواهد شد - ضرر آن عمل نشدن، بیشتر از ضرر عمل کردن به قانون است. این را باید نهادینه کرد؛ در مجموعهی دستگاهها این باید نهادینه بشود. و جزو رعایت قانون، رعایت اسناد بالادستی است که امروز خوشبختانه در کشور وجود دارد؛ مثل سیاستهای کلی، سند چشم‌انداز، مصوبات شوراهای عالی از قبیل شورای عالی انقلاب فرهنگی، از قبیل شورای عالی مجازی؛... شورای عالی مجازی - که ما در همین اتاق شاید چهار جلسه‌ی سه چهار ساعته با حضور رؤسای سه قوه، و مجموعه‌ای از قوا نشستیم و این شورا تشکیل شده و بسیار مسئله‌ی مهمی است - مصوباتی دارد، این مصوبات را بایستی

معتبر بدانند و بر طبق این مصوّبات باید عمل بشود. این قانون‌گرایی و قانون‌مداری اگر چنانچه جا افتاد، مسلماً خیلی از آسیبها از بین خواهد رفت.

از جمله‌ی چیزهایی که من خوب است اینجا در سیاستهای کلی یادآوری کنم، یکی سیاستهای تحوّل نظام اداری است که تصویب هم شده، ابلاغ هم شده. ما واقعاً در زمینه‌ی مسائل اداری و نظام اداری دچار مشکلات و آسیبهای دیرپا و مزمن هستیم. این سیاستها مطرح شده، در مجمع تشخیص مورد بررسی قرار گرفته و ابلاغ شده، به نظر من سیاستهای بسیار خوبی است، باید برای اینها برنامه‌ی اجرایی گذاشت و عملیاتی کرد که از جمله‌ی چیزهای بسیار مهم است که متأسفانه مانده، تأخیر هم شده است و به جریان نیفتاده.

یک شاخص دیگر (شاخص ششم)، مسئله‌ی حکمت و خردگرایی در کارها است؛ کار‌شناسی، مطالعه‌ی درست، ملاحظه‌ی جوانب و آثار و تبعات یک اقدام، و حتی گاهی ملاحظه‌ی تبعات یک اظهارنظر. گاهی یک اظهارنظر از سوی یک مسئول دارای جایگاه و به اصطلاح دارای تریبون، دارای منبر، یک تأثیرات سوئی میگذارد که این تأثیرات را اگر انسان بخواهد برطرف کند، مبالغی بایستی کار کند؛ همان قضیه‌ی سنگ توی چاه است؛ واقعاً مشکلات ایجاد میکند. بایستی سنجیده اظهارنظر کرد؛ این جور نباشد که ما حالا یک مدیری هستیم، یک مسئولی هستیم، درباره‌ی یک مسئله‌ای یک مطلبی به ذهنمان میرسد، کارشناسی نشده، بررسی نشده، جوانب دیده نشده، این را نباید پرتاب کرد در فضای افکار عمومی؛ گاهی اوقات جمع کردنش کار سخت و مشکلی است. این خردگرایی و حکمت در مدیریتهای و در کارها است. و از جمله‌ی شقوق همین حکمت، استفاده از ظرفیت

بالای کارشناسی است در مسائل کشور که خوشبختانه ما در زمینه‌ی کارشناسی، امروز ظرفیت خیلی خوبی در کشور داریم؛ انصافاً انسان نگاه میکنند، در بخشهای مختلف، ظرفیت کارشناسی کشور بالا است، ما اگر از این ظرفیت و [از] این نیروهای فراوانی که بعد از انقلاب پرورش پیدا کردند و به عرصه‌ی خدمت و کار وارد شدند استفاده کنیم، حتماً سود خواهیم برد.

یک شاخص دیگر (هفتم) هم عرض بکنیم، این بخش را من دیگر ادامه ندهم بیشتر از این؛ تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور است؛ نگاهمان به بیرون نباشد. این، توصیه‌ی ما است؛ این معنایش این نیست که از امکاناتی که در بیرون هست استفاده نکنیم؛ این دو حرف با هم اشتباه نشود. امیدمان را به بیرون از ظرفیت داخلی کشور ندوزیم. در بیرون از مجموعه‌ی کشور و نظام جمهوری اسلامی، جبهه‌ی بزرگی وجود دارد که با همه‌ی توان از سی و چند سال پیش به این طرف کوشیده نگذارد که این انقلاب ریشه‌دار بشود، نگذارد که این نظام جمهوری اسلامی پایدار بماند، نگذارد که پیشرفت کند، نگذارد که در زمینه‌های گوناگون الگو بشود. نمیشود از دشمن و روشهای خصمانه‌ای که کرده، انتظار دوستی و محبت و صمیمیت داشت. نمیگوییم از اینها استفاده نکنید، اما میگوییم اطمینان نکنید، اعتماد نکنید، چشم به آنجا ندوزید، چشم به داخل بدوزید. در داخل کشور خیلی امکانات وجود دارد که اگر چنانچه نگاه ما - چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های فرهنگی، چه در زمینه‌های گوناگون دیگر - [به آنها باشد و] اگر بتوانیم از این نیروهای داخلی استفاده کنیم، کلید حل مشکلات اینجا است؛ یعنی در درون کشور و امکانات داخلی کشور است که از اینها میشود خردمندانه بهره‌برداری کرد. اینها باید

شناسایی بشوند. و این است که رتبه‌ی ما را در دنیا بالا می‌برد. در مناسبات بین‌المللی سهم هر کشوری به قدر قدرت درونی او است؛ هر مقداری که واقعاً در درون اقتدار داشته باشد، سهمش از مجموعه‌ی مناسبات بین‌المللی به همان نسبت بالاتر است؛ این را باید ما تأمین بکنیم و خوشبختانه در طول این سالهای متمادی بمرور تأمین شده، یعنی مدام بر اقتدار و قوام نظام جمهوری اسلامی در طول این سالها افزوده شده؛ لذا میبینید حیثیت و موقعیت جمهوری اسلامی هم بالا رفته که حالا شواهدش فراوان و الی ماشاءالله است (۶ شهریور ۹۲).

معیارها و راه تشخیص نامزد اصلح

آن کسانی که به وسیله‌ی شورای نگهبان صلاحیت آنها اعلام میشود، معنایش این است که این از حداقل صلاحیت مورد نیاز برخوردار است. در بین این کسانی که اعلام میشوند، افرادی هستند با صلاحیتهای بالاتر، افرادی هستند در سطح پایین‌تر. هنر ملت ایران... این است که دقت کنند، نگاه کنند، بشناسند اصلح را، بهترین را انتخاب کنند؛ بهترین از لحاظ ایمان، بهترین از لحاظ اخلاص و امانت، بهترین از لحاظ دینداری و آمادگی برای حضور در میدانهای انقلاب؛ دردشناس‌ترین و دردمندترین نسبت به نیازهای مردم را انتخاب کنند. اینها فرصتهائی هست، بایستی مردم عزیز ما در همه جای کشور هوشیارانه، با بصیرت تمام تلاش کنند، پیدا کنند و با رأی خود مسجل کنند^(۱۲دی ۸۶).

من و شما باید نگاه کنیم ببینیم در بین این صالحها کدام صالح‌ترند، کدام بیشتر به درد مردم میخورند، کدام بیشتر میتوانند این بار سنگین را بر دوش بکشند و با امانت کامل این راه را ادامه دهند و پیش ببرند؛ این را باید من و شما نگاه کنیم، ببینیم، بشناسیم. از افرادی که ممکن است ما را هدایت کنند، راهنمایی کنند، کمک بخواهیم؛ بالاخره خودمان را به حجت شرعی برسانیم. اگر انسان بر طبق حجت شرعی کار کرد، چنانچه بعداً غلط هم از آب دربیاید، باز سرفراز است، میگوید من تکلیفم را عمل کردم؛ اما اگر بر طبق حجت شرعی عمل نکنیم، بعد خطا از آب دربیاید، خودمان را ملامت خواهیم کرد؛ عذری نداریم، حجتی نداریم^(۲۵ اردیبهشت ۹۲).

از خدا بخواهیم و خودمان هم چشمان را باز کنیم؛ کاری کنیم که نتیجه‌ی انتخابات، یک گزینش خوب و همراه با صلاح و صرفه‌ی انقلاب و کشور باشد.

این معنایش این نیست که اگر ما کسی را نپسندیدیم، با او بد اخلاقی کنیم، برخورد تند و سخت و غلط بکنیم؛ نه. آن کسانی که خودشان را صالح میدانند، برای خودشان اهلیت قائلند، وارد میدان شوند. ما هم که می‌خواهیم انتخاب کنیم، نگاه کنیم، حقیقتاً با معیارهائی که معتقدیم و بین همه‌ی ماها مشترک است، بسنجیم. شاید بشود گفت که بین همه‌ی ایرانی‌ها - معتقدین به انقلاب - این معیارها تقریباً مشترک است. در هر کسی که این معیارها را مشاهده کردیم، کوشش کنیم، تلاش کنیم، کار کنیم - کار سالم - که انتخابات به سمت انتخاب یک چنین کسی برود (۲۴مهر ۹۱).

مردم نگاه کنند به اظهارات داوطلبان محترمی که در این میدان وارد شدند، ما هم نگاه میکنیم؛ تشخیص بدهیم، ترجیح بدهیم، ببینیم آن کسی که میتواند برای انقلاب، برای کشور، برای آینده، برای عزت ملی، برای باز کردن گره مشکلات، برای ایستادگی قدرتمندانه و عزتمندانه در مقابل جبهه‌ی معاندان، و برای الگو کردن جمهوری اسلامی در چشم مستضعفان عالم، بیشتر و بهتر تلاش کند، کیست؟ (۶خرداد ۹۲).

بهترین کیست؟ من نسبت به شخص، هیچ‌گونه نظری ابراز نمیکنم؛ اما شاخصهائی وجود دارد. بهترین، آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافی‌گری خودش نباشد. آفت بزرگ ما اشرافی‌گری و تجمل‌پرستی است؛ فلان مسئول اگر اهل تجمل و اشرافی‌گری باشد، مردم را به سمت اشرافی‌گری و به سمت اسراف سوق خواهد داد. اینی که ما گفتیم امسال (۱۳۹۲)، سال حرکت به سوی اصلاح

الگوی مصرف است، یعنی امسال سالی است که ملت ایران تصمیم بگیرد که با اسراف مبارزه کند. نمیگوئیم بکلی و یکباره و در طول یک سال، اسراف تمام بشود؛ نه، ما واقع‌بین‌تر از این هستیم؛ میدانیم این کار مال سالیان پی در پی است و باید کار بشود تا به این فرهنگ برسیم؛ باید این کار را شروع کنیم.

... اولین کار این است که ما مسئولین کشور را، افرادی انتخاب کنیم که مردمی باشند، ساده‌زیست باشند، درد مردم را بدانند و خودشان از درد مردم احساس درد کنند. این هم به نظر من شاخص مهمی است. آگاهانه بگردید؛ برسید؛ و به آنچه که رسیدید و تشخیص دادید، با قصد قربت اقدام کنید؛ با قصد قربت پای صندوق انتخابات بروید و خدای متعال اجر خواهد داد (۲۲ اردیبهشت ۹۲).

... یک انتخاب خوب، یک انتخاب درست، نه فقط در طول چهار سال، گاهی در طول ده‌ها سال تأثیراتش برای کشور باقی میماند. برای انتخاب خوب باید فکر کرد، باید معیارها را شناخت. من ان شاء الله در آینده مطالبی عرض خواهم کرد؛ اما اجمالاً معیار اصلی این است که کسانی سر کار بیایند که همتشان بر حفظ عزت و حرکت کشور در جهت هدفهای انقلاب باشد. آنچه ما در این سالهای طولانی از خیرات و برکات به دست آورده‌ایم، به برکت هدفهای انقلاب بوده است؛ هر جائی که ما کم آورده‌ایم، عقب مانده‌ایم، شکست خوردیم، به خاطر غفلت از هدفهای انقلاب اسلامی و هدفهای اسلامی بوده است. کسانی سر کار بیایند که مصداق "ان‌الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا" باشند؛ اهل استقامت، اهل ایستادگی باشند؛ زرهی پولادین از یاد خدا و از توکل به خدا بر تن خودشان بیوشند و وارد میدان شوند (۲۵ اردیبهشت ۹۲).

شعارها را نگاه کنید، ببیند شعارهایی که تعیین میکنند، چه جور شعارهایی است؟ گاهی بعضیها - البته اشتباه میکنند - برای جلب آراء، شعارهایی میدهند که این شعارها از حدود قدرت و اختیاراتشان بیرون است؛ اینها را مردم هوشمند ما میتوانند بشناسند، مراقبت کنند، دقت کنند. آنچه که برای مردم لازم است، آنچه که فوریت بیشتری دارد، آنچه که با واقعیات و امکانات کشور سازگار است، آنچه که به افزایش قدرت درونی ملت میانجامد، آنها را در شعارهایشان بگنجانند؛ این یکی از معیارها است (۲۵ اردیبهشت ۹۲).

ملت ایران در انتخابهای خود توجه کند؛ کسانی با رأی ملت سر کار نیایند که در مقابل دشمنان بخواهند دست تسلیم بالا ببرند و آبروی ملت ایران را ببرند. کسانی سر کار نیایند که بخواهند با تملق گوئی به غرب، به دولتهای غربی، به دولتهای زورگو و مستکبر، به خیال خودشان بخواهند برای خودشان موقعیتی در سطح بین‌المللی دست و پا کنند. اینها برای ملت ایران ارزشی ندارد. کسانی سر کار نیایند که دشمنان ملت ایران طمع بورزند که به وسیلهی آنها بتوانند صفوف ملت را از هم جدا کنند، مردم را از دینشان، از اصولشان، از ارزشهای انقلابیشان دور کنند. ملت باید آگاه باشد. اگر کسانی بر سر کار بیایند که در مراکز گوناگون سیاسی یا اقتصادی به جای اینکه به فکر ادامه‌ی راه امام و ارزشها و اصول ترسیم شده‌ی به وسیلهی امام باشند، به فکر به دست آوردن دل فلان قدرت غربی و فلان مستکبر بین‌المللی باشند، برای ملت ایران مصیبت خواهد بود (۲۸ اردیبهشت ۸۸).

اصلح کسی است که با نیازی که شما برای جامعه می‌فهمید، تطبیق کند و بتواند نیازهای جامعه را برآورده سازد. بعضیها در شناخت اصلح دچار وسواس و

دغدغه‌ی زیاد میشوند. شما تلاش خود را بکنید؛ مشورت خود را بکنید؛ از کسانی که فکر میکنید میتوانند شما را راهنمایی کنند، راهنمایی بخواهید؛ به هر نتیجه‌یی که رسیدید، عمل کنید و رأی بدهید؛ اجر شما را خدای متعال خواهد داد. ما مأموریم که به آنچه میفهمیم و به آنچه تکلیف الهی تشخیص میدهیم، عمل کنیم؛ مطابق با واقع شد یا نشد، اجر ما محفوظ است. اجر کسی که عامل به تکلیف است، پیش خدای متعال محفوظ است (۳ خرداد ۸۴).

قول بدهند با عقل و درایت عمل خواهند کرد؛ اگر برنامه‌ای در هر موردی از مسائل دارند، آن برنامه را برای مردم ارائه کنند؛

قول بدهند که با پشتکار و ثبات قدم در این میدان پیش خواهند رفت؛ قول بدهند که از همه‌ی ظرفیتهای قانون اساسی برای اجرای وظیفه‌ی بزرگ خودشان استفاده خواهند کرد؛

قول بدهند که به مدیریت اوضاع کشور خواهند پرداخت؛

قول بدهند که به مسئله‌ی اقتصاد - که امروز میدان چالش تحمیلی بر ملت ایران از سوی بیگانگان است - بخوبی خواهند پرداخت؛

قول بدهند حاشیه‌سازی نمیکند؛ قول بدهند دست کسان و اطرافیان خود را باز نخواهند گذاشت؛

قول بدهند که به منافع بیگانگان، به بهانه‌های گوناگون، بیش از منافع ملت ایران اهمیت نخواهند داد. بعضی با این تحلیل غلط که به دشمنان امتیاز بدهیم تا عصبانیت آنها را نسبت به خودمان کم کنیم، عملاً منافع آنها را بر منافع ملت ترجیح میدهند؛ این اشتباه است. عصبانیت آنها ناشی از این است که شما هستید، ناشی از

این است که جمهوری اسلامی هست، ناشی از این است که امام در اذهان مردم و در برنامه‌های این کشور زنده است، ناشی از این است که روز ۱۴ خرداد - روز رحلت امام - مردم در سرتاسر کشور به جوش و خروش می‌آیند؛ عصبانیت آنها مربوط به این چیزها است. عصبانیت دشمن را باید با اقتدار ملی علاج و جبران کرد (۱۴ خرداد ۹۲).

در پیدا کردن نامزد مورد نظر دقت کنید. به کسی گرایش پیدا کنید که به دین مردم، به انقلاب مردم، به دنیای مردم، به معیشت مردم، به آینده‌ی مردم و به عزت مردم اهمیت میدهد. بحمدالله میدان برای آزمودن و دیدن و شناختن باز است؛ ملت ما هم هشیار است (۱۴ خرداد ۸۴).

مردم اگر خودشان نامزدهای انتخاباتی را میشناسند، طبق تشخیص خودشان حتماً عمل کنند؛ اگر نمیشناسند، از افراد بصیر و متدین در گزینشهای انتخاباتی استفاده کنند (۱۴ بهمن ۹۰).

مردم توجه باید داشته باشند که تبلیغات رنگین و متنوع ملاک نیست؛ وعده‌های غیر عملی ملاک نیست. ... وعده‌های غیر عملی دادن، وعده‌های بزرگ دادن، اینها ملاک نیست؛ باید مردم توجه کنند؛ گاهی علامت منفی هم هست (۱۲ دی ۸۶).

رفتار داوطلبان در ریخت‌وپاش و خرج و تبلیغات زیاد از اندازه‌ی لازم میتواند ماها و آحاد مردم را نسبت به آنچه که بعداً پیش خواهد آمد، آگاه و هشیار و بیدار کند. آن کسی که یا از بیت‌المال هزینه میکند، یا از پول مشتبه به حرام بعضیها استفاده میکند، نمیتواند اطمینان مردم را جلب کند؛ به این چیزها خیلی باید توجه کرد (۲۵ اردیبهشت ۹۲).

بصیرت؛ لازمه کارزار انتخابات

یکی از مسائل مهم، مسئله‌ی بصیرت است. من به شما عرض بکنم؛ بصیرت در این دوران و در همه‌ی دورانها به معنای این است که شما خط درگیری با دشمن را تشخیص دهید؛ کجا با دشمن درگیری است؟ بعضی‌ها نقطه‌ی درگیری را اشتباه میکنند؛ خمپاره و توپخانه‌ی خودشان را آتش میکنند به سمت یک نقطه‌ای که آنجا دشمن نیست، آنجا دوست است. بعضی‌ها رقیب انتخاباتی خودشان را «شیطان اکبر» به حساب می‌آورند! شیطان اکبر آمریکا است، شیطان اکبر صهیونیسم است؛ رقیب جناحی که شیطان اکبر نیست، رقیب انتخاباتی که شیطان اکبر نیست. من طرفدار زیدم، شما طرفدار عمروئی؛ من شما را شیطان بدانم؟ چرا؟ به چه مناسبت؟ در حالی که زید و عمرو هر دو ادعای انقلاب و اسلام میکنند، در خدمت اسلام و در خدمت انقلابند. خط درگیری با دشمن را مشخص کنیم. گاهی هست که یک نفری در لباس خودی است، اما حنجره‌ی او سخن دشمن را تکرار میکند! خب، او را باید نصیحت کرد؛ اگر با نصیحت عمل نکرد، انسان با او باید حد و مرز تعریف کند: خط فاصل. جدا میشویم (۲۴ مهر ۹۱).

اهانت و تهمت مطلقاً ممنوع!

به همه‌ی برادران و خواهران و همه‌ی ملت عزیز ایران سفارش میکنم که فضای انتخابات را، هم گرم و هم سالم نگه دارند. کسانی که به یک نامزد انتخاباتی علاقه‌مندند، مراقب باشند به خاطر علاقه‌ی به او، نامزد دیگر را تخریب نکنند؛ این بین مردم اختلاف و تقار ایجاد میکند؛ علاوه بر این که تخریب اساساً کار درستی نیست و فایده‌ای هم ندارد. کسی که با تخریب یک نامزد انتخاباتی میخواهد آراء

او را کم کند، به مقصود خودش دست پیدا نمی‌کند؛ هم یک کار غلط و خلاف منطق و در موارد بسیاری خلاف شرع انجام می‌گیرد، هم فایده‌ای گیر او نمی‌آید. فضا را سالم نگه دارید. شما از نامزد خودتان حمایت کنید، دیگران هم از نامزد خودشان حمایت کنند و به او رأی دهند (۱۴ خرداد ۸۴).

در انتخابات با کرامت رفتار کنند همه؛ چه آنهائی که نامزد میشوند، چه آنهائی که طرفدار آنهائید، چه آنهائی که مخالف با بعضی از نامزدها هستند. جناحهای مختلف کشور، بد اخلاقی و بد گوئی و اهانت و تهمت و این حرفها را مطلقاً راه ندهند. این از آن چیزهائی است که اگر پیش بیاید، دشمن از او خوشحال میشود (۱۹ دی ۸۶). آنچه در انتخابات لازم است، رقابت سالم است؛ رقابت بدون تهمت زنی و بد گوئی به یکدیگر است. فضای انتخابات باید سالم باشد (۱۴ بهمن ۹۰).

من به همه‌ی کسانی که نامزد انتخابات ریاست جمهوری هستند و طرفداران آنها صمیمانه عرض میکنم که فضای کشور را فضای دشمنی و تقار و تشنج و اختلاف نکنند. البته ملت این طور نیستند؛ گروهی هستند که اگر مجموعشان را بشمریم، به چند هزار نفر نمیرسند - بالاخره هر کس طرفدارانی دارد - اینها فضای روزنامه‌ها و دستگاه‌های ارتباط جمعی را متشنج میکنند. فضا باید دوستانه باشد؛ هر کس حرفهای خودش را بزند و برنامه‌های خودش را بگوید و کاری را که خودش میتواند بکند، بیان کند؛ به دیگران چه کار دارند؟ فضا را متشنج نکنند؛ فضا را برادرانه و صمیمانه بکنند (۳ خرداد ۸۴).

از طرف علاقه‌مندان به نامزدهای انتخاباتی گوناگون، بد اخلاقیهای انتخاباتی، شایسته‌ی ملت ما نیست؛ تهمت زدن آدمهای مؤمن را، مصونیت‌دار از لحاظ اسلامی

و شرعی را؛ در معرض هتک آبرو قرار دادن در شبنامه‌ها، در مطبوعات، در پایگاه‌های اینترنتی و غیره، اینها اصلاً مصلحت نیست. من به طور جد از همه‌ی کسانی که نسبت به نامزدهای مختلف علاقه‌مندی ای دارند، درخواست میکنم، اصرار میکنم که این علاقه‌مندی خودتان را از راه تخریب دیگران، اهانت به دیگران، متهم کردن دیگران نشان ندهید. هرچه میخواهید، از نامزد مورد علاقه‌ی خودتان تمجید کنید، تعریف کنید؛ اما دیگران را تخریب نکنید. این علامت بدی است. بعضی جاها در دنیا معمول است اسرار خانوادگی یکدیگر را برملا میکنند، عکسهای پنهانی از هم میگیرند، افشا میکنند. خوب، همانهایی هستند که وقتی هم رفتند مجلس - دیده‌اید در تلویزیون - سر یک مسئله‌ای میافند به جان هم، با مشت و لگد با هم رفتار میکنند! ... آنچه که در مورد انتخابات باید به یاد مردم عزیز ما باشد، آماده شدن برای حضور همه‌جانبه و گسترده در انتخابات و کوشش کردن برای شناسائی اصلح و مراعات کردن رفتارهای انتخاباتی است، که این را عرض کردیم (۱۲ دی ۸۶).

انتقاد حق است، سیاه‌نمایی باطل

نامزدهای محترم در این برنامه‌های عمومی، خب زبان به نقد و انتقاد باز میکنند؛ این حق آنها است؛ میتوانند از هر چیزی که مورد انتقاد آنها است، انتقاد کنند؛ منتها توجه کنند که انتقاد باید به معنی عزم و نیت برای پیمودن آینده‌ی پرتلاش و افتخارآمیز باشد، نه به معنای سیاه‌نمایی و منفی‌بافی و بی‌انصافی؛ به این نکته توجه کنند. من به هیچ کس نظر ندارم. از همین ساعت، رسانه‌های بیگانه با غیظ و غرض‌ورزی خواهند گفت: فلانی نظر به زید یا به عمرو یا به بکر یا به خالد داشت.

این، خلاف واقع است؛ من به هیچ کس نظر ندارم؛ من حقایق را عرض میکنم. من به برادرانی که میخواهند اطمینان این مردم را به سمت خودشان جلب کنند، نصیحت میکنم که منصفانه حرف بزنند؛ انتقاد کنند، لیکن انتقاد به معنای سیاه‌نمایی نباشد؛ به معنای انکار کارهای بسیار برجسته‌ای نباشد که چه در این دولت، چه در دولت‌های قبلی انجام گرفته است و کسانی مثل خود آنها سر کار آمده‌اند و شب و روز تلاش کرده‌اند و آن کارها را انجام داده‌اند. انتقاد به معنای انکار جهات مثبت نیست؛ انتقاد این است که انسان کار مثبت را بگوید، نقص و ضعف را هم بگوید. امروز در کشور ما اگر کسی سر کار بیاید، احتیاج ندارد که از صفر شروع کند؛ هزاران کار برجسته انجام گرفته است. در سالهای طولانی، در دوره‌ی مسئولیتهای مختلف دولتها، هزاران زیرساخت اساسی برای این کشور به وجود آمده است؛ علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، کارهای زیربنایی پیشرفت کرده است، امور بسیار مهم در زمینه‌های مختلف برنامه‌ریزی و اجرا شده است؛ اینها را نباید از دست بدهند؛ هر کاری میکنند، باید از اینجا به بعد باشد. این همه کار را نمیشود فقط به بهانه‌ی این که امروز مشکلات اقتصادی داریم، گرانی و تورم داریم، انکار کنیم؛ این که درست نیست. بله، مشکلات اقتصادی هست، تورم هست؛ ان شاء الله آن کسی که بعداً خواهد آمد، بتواند حلال این مشکلات باشد، این گره‌ها را هم باز کند؛ این که آرزوی ملت ایران است؛ اما این معنایش این نباشد که اگر ما یک راه حلی برای مشکلات در نظر خودمان داریم، همه‌ی آنچه را که امروز انجام گرفته است و وجود دارد، انکار کنیم (۱۴ خرداد ۹۲).

... نامزدهای محترمی که تاکنون نام‌نویسی کرده‌اند و مشغول تبلیغات و اظهاراتی هستند - اگرچه حالا وقت قانونی هم نرسیده، اما تبلیغات میکنند؛ اشکالی ندارد - سعی کنند با انصاف عمل کنند. اثبات و نفی‌شان با توجه به حق و صدق باشد. چیزهائی را که انسان می‌شود، باور نمی‌کند که از زبان نامزدها و آن کسانی که دنبال این مسئولیتها هستند، از روی صدق و صفا خارج شده باشد. گاهی انسان حرفهای عجیب و نسبتهای عجیبی می‌شنود. این حرفها مردم را نگران میکند؛ کسی را هم به گوینده‌ی این حرفها دلبسته و علاقه‌مند نمی‌کند! نامزدهای محترم توجه داشته باشند: اذهان عمومی را تخریب نکنند. این همه نسبت خلاف دادن به این و آن، تخریب کننده‌ی اذهان مردم است؛ واقعیت هم ندارد؛ خلاف واقع هم هست. بنده که از همه‌ی این آقایان اوضاع کشور را بیشتر میدانم و بهتر خبر دارم، میدانم که بسیاری از این مطالبی که بعنوان انتقاد درباره‌ی وضع کشور و وضع اقتصاد و اینها می‌گویند، خلاف واقع است؛ اشتباه میکنند. ان شاء الله اشتباه است (۲۲ اردیبهشت ۹۲).

وعده‌هایی در حد توان بدهید!

وعده‌های نشدنی ندهند. من به نامزدهای گوناگون عرض میکنم جوری حرف بزنید که اگر در خرداد سال آینده نوار امروز شما را جلوی خودتان گذاشتند یا پخش کردند، شرمنده نشوید؛ جوری وعده بدهید که اگر چنانچه آن وعده را بعداً به رخ شما کشیدند، مجبور نباشید تقصیر را گردن این و آن بگذارید که نگذاشتند، نشد. کاری را که میتوانید انجام دهید، وعده بدهید... آن کسانی که امروز با مردم حرف میزنند، آنچه که توانائی انجام آن را دارند و مردم به آن احتیاج دارند، آن را با مردم در میان بگذارند (۱۴ خرداد ۹۲).

نسبت به یکدیگر، کدورت ایجاد نکنیم

دست‌اندرکاران، علاقه‌مندان و هواداران - که یکی از زید طرفداری میکنند، یکی از عمرو، یکی از بکر - مراقب باشند به همدیگر تعرض نکنند. شما به این آقا علاقه داری، طبق علاقه و تشخیص خودت عمل کن؛ آن دیگری هم علاقه و تشخیص دیگری دارد؛ شما به او چه کار داری؟ او هم طبق علاقه‌ی خودش عمل کند. بنابراین نباید به یکدیگر تعرض کنند و فضا را تلخ نمایند. این نکته را من به کسانی که دست‌اندرکار تبلیغات نامزدهای مختلف هستند - یکی از زید تبلیغ میکنند، یکی از عمرو تبلیغ میکند؛ یکی از این، یکی از آن - مؤکداً توصیه میکنم که هر کدام کار خودشان را بکنند؛ به همدیگر کار نداشته باشند.

اختلاف نظرهایی که در دوران انتخابات پیش می‌آید، ممکن است کدورت‌هایی را بین بعضی از برادران و خواهران به وجود بیاورد؛ نگذارید این کدورت‌ها باقی بماند. فرض کنید یکی از شما دو رفیق، طرفدار یک نفر هستید؛ دیگری هم طرفدار یک نفر دیگر. در مقام بحث و مجادله، شما میخواهی حرف خودت را ثابت کنی؛ او هم میخواهد حرف خودش را ثابت کند؛ لذا ممکن است از هم کدورت پیدا کنید. این کدورت‌ها روز جمعه باید زیر خاک دفن شود و تمام گردد. کسی که روز جمعه با انتخاب مردم برگزیده شد، او دیگر رئیس جمهور همه است؛ چه کسانی که به او رأی داده‌اند، چه کسانی که به دیگری رأی داده‌اند، چه حتی کسانی که فرصت نکردند رأی بدهند؛ چون بعضی در حال سفرند، بعضی بیمارند، بعضی مریضدارند، بعضی گرفتار کارهای شخصی اند. کدورت‌هایی که در دوران انتخابات به وجود می‌آید، باید در روزی که انتخابات برگزار شد، فراموش شود. برادران و دوستانی

که در ستادهای مختلف کار میکنند، اگر کدورتی از هم پیدا کردند - آنهایی که با هم مرتبطند - کدورت‌ها را کنار بگذارند و مسأله تمام شود (۲۵ خرداد ۸۴).

... برای انتخابات و برای گزینش عالیترین مقام اجرائی در کشور - که بسیار هم حساس است، بسیار هم مهم است - سازوکارهای درستی وجود دارد؛ سازوکار قانون. هیچ مانعی ندارد که شما به یکی علاقه‌مند باشید، بنده به یکی دیگر علاقه‌مند باشم؛ شما به او رأی دهید، من به دیگری رأی دهم؛ بالاخره اکثریتی هست، اقلیتی هست، ضابطه‌ای هست، قانونی هست؛ بر طبق آن عمل خواهد شد. آحاد مردم با هم کدورت بیجا درست نکنند، به خاطر اینکه این به آن علاقه‌مند است، این به آن علاقه‌مند است؛ خب، باشند. خود داوطلبان محترم هم باید رعایت کنند. کار را با حماسه، با شور، با غیرتمندی، اما بدون چالش، بدون منافرت پیش ببرند. ظرافت کار اینجا است که ممکن است سکون و سکوت و جمود و خمودگی وجود نداشته باشد، نشاط باشد، تحرک باشد، در میدان و در عرصه گفتگو باشد - گفتگوهای گرم و داغ - درعین حال نفرت‌پراکنی نباشد؛ این میشود. این یک نکته‌ای است که آقایان داوطلبان محترم خوب است که رعایت کنند (۶ خرداد ۹۲).

اهمیت شعار انتخاباتی

در تبلیغات انتخاباتی، در شعارهای انتخاباتی، آنچه که اهمیت دارد، این است که مواضع عزت‌آفرین و صحیح و عاقلانه و حکیمانه‌ی انقلاب و نظام تثبیت شود. می‌آید در شعارهایمان، ما به زید و عمرو در خارج از این مرزها یا آدمهایی در داخل مرزها، چراغ سبز نشان دهیم. خب، دشمن کار خودش را دارد میکند؛ علیه کسی، علیه کسانی، و بیشتر از همه علیه خود انقلاب و نظام و انتخابات لجن‌پراکنی میکند.

البته حنجره‌های بیتقوائی هم در داخل وجود دارد. در داخل، متأسفانه زبانهای بی تقوا، قلمهای بی تقوا و حنجره‌های بی تقوائی هستند که همان حرفهای دشمن را که به قصد نومید کردن و افسرده کردن مردم گفته میشود، تکرار میکنند؛ آحاد مردم به اینها نباید اعتنائی کنند. فردای این ملت، فردای روشنی است. فردای این انقلاب، فردای عزتمدارانه‌ای است. فردای این کشور و این ملت، فردائی است که ان شاء الله به توفیق الهی برای همه الگو خواهد شد (۶ خرداد ۹۲).

احترام به انتخاب مردم و مطالبه گری از فرد منتخب

انتخابات یک مسأله‌ی شخصی نیست؛ یک مسأله‌ی عمومی است و ما هم دو نفر رئیس‌جمهور نمیخواهیم. ... همه موظفند نسبت به کسی که رئیس‌جمهور شد، همکاری و همدلی نشان دهند. کسی که شورای نگهبان او را تأیید کرده است، در واقع مُهر صلاحیت به او زده است. اختلاف و دعوا سر پیدا کردن صالح‌تر است. بالاخره حداقل صلاحیت‌ها را داشته است که شورای نگهبان به او مُهر تأیید زده است. اگر هر کدام از اینها رئیس‌جمهور شدند، آحاد مردم احساس نکنند که آن کسی که ما میخواستیم، نشد؛ پس او به درد نمیخورد؛ او صالح نیست؛ نه، در یک دوره‌ی چهارساله، او رئیس‌جمهور است. البته مردم باید از او مطالبه کنند و بخواهند؛ ما هم مطالبه میکنیم؛ همچنان که تا الان این کار را کرده‌ایم. تا الان هم ما مطالبات مردم و نظام را از کسانی که رئیس‌جمهور بوده‌اند، خواسته‌ایم. بنده اهل این که بیایم در مقابل مردم با کسی دعوا و جنجال راه بیندازم، نیستم؛ اما خدای متعال کمک کرده است و در جریان کار، یک لحظه از مطالبه‌ی حقوق مردم و ارزشهای نظام از مسئولانی که تا کنون سر کار بوده‌اند، فارغ نبوده‌ام. من از اینها

مطالبه کرده‌ام؛ اما این‌که بعضی توانسته‌اند عمل کنند، بعضی نتوانسته‌اند؛ بعضی مقداری توانسته‌اند، بعضی به جهاتی عمل نکرده‌اند؛ بحث دیگری است (۲۵ خرداد ۸۴).

اختلافات سیاسی مشکل مردم را حل نمی‌کند!

مردم از دعوای سیاسی و اختلافات سیاسی و من خوبم و تو بدی خسته‌اند؛ مردم این چیزها را دوست نمی‌دارند. در کشور کارهای زیادی هست که باید انجام بگیرد؛ کارهای زیادی هم انجام گرفته است. مشکلات فراوانی وجود دارد که باید برطرف شود؛ گره‌هایی هست که باید باز شود. در کشور باید فساد ریشه‌کن شود؛ تبعیض نباشد؛ به طبقه‌ی مستضعف و محروم - بخصوص مستضعفین بیدست و پا - به‌طور ویژه توجه شود؛ اینها وظایف اسلامی ماست؛ وظایفی است که قانون اساسی بر دوش همه‌ی مسئولان کشور گذاشته است؛ هیچ‌کس نمیتواند خود را از این کارها برکنار بدارد. دعوای لفظی، شعارهای لفاظی گونه، اسم از مفاهیم مبهم و بی سروته آوردن، مشکل مردم را حل نمیکند؛ مردم احتیاج دارند به این‌که در میدان عمل و کار، با لجن‌هایی که نمیگذارد این دریاچه‌ی مصفا طراوت لازم را داشته باشد، مبارزه شود (۲۵ خرداد ۸۴).

عدالت انتخاباتی در رسانه‌ها

در کجای دنیا - هر کس سراغ دارد، بیاید بگوید - به نامزدهای گوناگون، از آن چهره‌های معروف تا چهره‌های گمنام، اجازه داده میشود که به‌طور مساوی از رسانه‌های ملی و دولتی کشور استفاده کنند؟ کجای دنیا چنین چیزی هست؟ در آمریکا هست؟ در کشورهای سرمایه‌داری هست؟ در کشورهای سرمایه‌داری اگر چنانچه عضو این دو حزب یا سه حزب بودند و پشتیبانی سرمایه‌دارها و

کارخانه‌دارها و پولدارها و مافیاهای ثروت و قدرت را با خودشان داشتند، میتوانند تبلیغات کنند؛ اما اگر نداشتند، اصلاً نمیتوانند تبلیغات کنند. هر کسی که انتخابات آمریکا را دنبال کرده باشد - بنده دنبال کرده‌ام - این را تصدیق میکند. افرادی بوده‌اند که مورد حمایت صهیونیستها نبوده‌اند، مورد حمایت شبکه‌ی سرمایه‌داری خونخوار بین‌المللی نبوده‌اند، هر کاری کردند، نتوانستند وارد میدان انتخابات شوند؛ نه رسانه‌ای در اختیار آنها بوده، نه تلویزیونی در اختیار آنها بوده؛ برای هر ثانیه باید چقدرها خرج کنند. در کشور ما نامزدهای نمایندگی به طور مساوی و برابر، بدون خرج کردن یک ریال، می‌نشینند آنجا، ساعت‌های متمادی، با برنامه‌های گوناگون، با مردم حرف می‌زنند؛ کجا چنین چیزی در دنیا وجود دارد؟ (۱۴ خرداد ۹۲).

البته این روزها با این وسائل عجیب رسانه‌ای کنونی - این پیامکها و امثال اینها - متأسفانه حرفهای گوناگون، نسبتهای گوناگون به اشخاص گوناگون، رواج دارد. گاهی ممکن است یک نفر هزاران پیامک بفرستد. برای من گزارش دادند که ممکن است در ایام انتخابات، روزی چند صد میلیون پیامک رد و بدل شود. مراقب باشید، تحت تأثیر این چیزها قرار نگیرید؛ نگاه کنید، تشخیص بدهید، اصلح را بشناسید و برای ادای تکلیف، اسم او را به صندوق رأی بیندازید (۱ فروردین ۹۲).

آخرین مطلبی که عرض میکنم این است: عزیزان من! همین قدر بدانید ما برای حاکمیت اسلام در این کشور - که حاکمیت اسلام متضمن آبادی دنیا و آخرت مردم و اصلاح زندگی مادی و معنوی آنهاست - تا آخر ایستاده‌ایم و هیچ فشاری و هیچ قدرتی نمیتواند در اراده‌ی ما که متکی به اراده‌ی مردم است اثر بگذارد (۲۲ اردیبهشت ۹۲).

امید ما به خدای متعال است. تکیه‌ی ما به ایمان عمیق مردم است. نگاه ما به دست لطف ولیّ غایب ما (ارواح‌نفاذ) است. میدانیم خدای متعال به این ملت نظر لطف دارد. میدانیم حضرت ولی‌عصر (ارواح‌نفاذ) این ملت را دعا میکند. امیدواریم همه‌ی ما مشمول ادعیه‌ی زاکیه‌ی آن بزرگوار باشیم؛ ما هم بتوانیم متقابلاً موجبات جلب رحمت الهی را فراهم کنیم و زمینه را برای ادعیه‌ی زاکیه‌ی آن بزرگوار ایجاد نماییم (۲۵ خرداد ۸۴).

عیزان من! کشور میتواند پیش برود. اینکه من بارها میگویم تمدن اسلامی و بارها میگویم ایران میتواند قلّه‌ی تمدن اسلامی قرار بگیرد، شعار و رجزخوانی نیست، این نگاه به واقعیت‌های کشور است. ما میتوانیم؛ ما میتوانیم اقتصادمان را پیشرفت بدهیم، صنعتمان را پیشرفت بدهیم، کشاورزی‌مان را پیشرفت بدهیم و خودکفایی را در آنجاهایی که خودکفایی لازم است به وجود بیاوریم؛ مسئولین باید تلاش کنند. همان‌طور که اوّل گفتم، هرکس مسئول است حقّ آن مسئولیت را اداء کند و تلاش لازم را انجام بدهد (۸ اردیبهشت ۹۵).

کسی که سر کار می‌آید - هر کس باشد، هر شعاری داده باشد، هر حرفی در مقام ادعا به مردم زده باشد - اولین وظیفه‌اش این است که برای گره‌گشایی

مشکلات مردم آستین همت بالا بزند؛ همکاران خودش را از کسانی که مؤمن به حق مردم و مؤمن به کارآیی نظام جمهوری اسلامی هستند، انتخاب کند؛ وارد میدان عمل شود و برای مردم کار کند (۲۵ خرداد ۸۴).

اگر ملت مقتدر باشد، توانا باشد، نیاز خود را کم کند، مشکلات خود را برطرف کند، و امروز که مسئله‌ی اقتصاد مسئله‌ی اصلی است، بتواند اقتصاد خود را روبه راه کند، دشمن در مقابله‌ی با ملت ایران بی‌دفاع خواهد ماند. به‌رحال آنچه که مهم است، عزم و اراده، باور به خدا، باور به مردم، و باور به خود، هم برای نامزدهای انتخابات، هم برای آحاد مردم است (۱۴ خرداد ۹۲).

امروز کشور برای کار، میدان وسیعی است. مدیران کارآمد اگر بیایند کار و تلاش کنند و نشاط به خرج دهند، میدان برای کار خیلی باز است. ما میتوانیم بسیاری از مشکلات مادی جامعه را برطرف کنیم. خوشبختانه در دولتهای قبلی زیربناهای خوبی در کشور فراهم شده و کارهای خوبی صورت گرفته است - این را من بارها گفته‌ام - این کارها را باید به زندگی مردم وصل کنند؛ کاری کنند که مردم طعم شیرین خدماتی را که در کشور انجام میگیرد، بچشند؛ در هیچ نقطه‌یی از کشور فقر نباشد - عدالت برقرار باشد - فساد نباشد و افراد مفسد از دستگاه‌های تصمیم‌گیر طرد شوند و امکان دخالت پیدا نکنند؛ اینها چیزهایی است که ما باید مورد توجه قرار دهیم. مطمئن باشید وقتی نیت من و شما خیر باشد و بخواهیم برای خدا کار کنیم و از خدای متعال کمک بخواهیم و آنچه در وسع داریم، انجام دهیم، یقیناً خدای متعال نتیجه‌ی شیرین را لطف خواهد کرد و به حول و قوه‌ی الهی در این آزمایش بزرگ هم ملت ایران سرافراز بیرون خواهد آمد (۳ خرداد ۸۴).

من پیش‌بینی‌ام این است که به توفیق الهی انتخابات ما انتخابات پُرشوری خواهد بود، انتخابات فراگیری خواهد بود. امیدواریم ان‌شاءالله نتیجه‌ی انتخابات هم -چه در شوراها، چه در مورد ریاست جمهوری- چیزی باشد که موجب رضای الهی و سعادت ملت ایران باشد. و من می‌گویم انتخابات را خوب برگزار کنید؛ ملت سرافراز خواهد شد، ملت با انتخابات خوب پیش خواهد رفت و دشمن هم به توفیق الهی هیچ غلطی نمیتواند بکند.

پروردگارا! آنچه گفتیم و شنیدیم، برای خودت و در راه خودت قرار بده و آن را به کرم‌ت از ما قبول کن. پروردگارا! ارواح طیبه‌ی شهیدان ما و روح مطهر امام بزرگوار را با ارواح مطهر شهدای صدر اسلام محشور بفرما. پروردگارا! این ارواح مطهره و منوره را از ما راضی کن. پروردگارا! قلب مقدس ولی عصر (ارواحنا فداء) را از ما راضی بفرما؛ ما را سربازان این راه قرار بده. پروردگارا! همه‌ی ما را، زندگی ما و عمر ما را، ختم به خیر بفرما؛ برای این حقیر و هرکسی که علاقه‌مند است، شهادت را به‌عنوان آخرین پله‌ی زندگی ما قرار بده (۱ فروردین ۹۶).